کلیسای مخفی

بررسی عهد جدید قسمت اول

دکتر دیوید پلات

27 آوریل 2007

کلیسای مخفی بررسی عهد جدید

اگه کتاب مقدس دارید که امیدوارم داشته باشید ، ازتون میخوام به عهد جدید مراجعه کنید.

چندی قبل تصادفاً در بخشی از یک کشور آسیایی بودم و طبق قانون اونجا ، گرد هم آیی پیروان مسیح در اونجا ممنوع بود. اونجا ما جلسه داشتیم، و بی سرو صدا در آپارتمانی در طبقهٔ فوقانی یک ساختمان بودیم. ما در اون آپارتمان شروع به مطالعهٔ کلام خدا کردیم. ما نمیتونستیم بیرون بریم و در تمام روزهایی که اونجا بودیم در همون آپارتمان غذا میخوردیم، تعلیم میدادیم و میخوابیدیم. این ایمانداران برای تعلیم گرد هم آمده بودند. همهٔ اونا آماده میشدند که کلام خدا رو به دیگر کشور های آسیایی ببرند.

من اونجا نشسته بودم و با رهبران کلیسا های خانگی ای صحبت میکردم که در طی چند سال گذشته این فرصت رو داشتم که با اونها خدمت کنم. صحبتهای ما بیشتر حول محور اشتیاق و نیاز اونها برای هرچه بیشتر آموختن از کلام خدا بود. این رهبران کلیساهای خانگی به من میگفتند : « ما میخواهیم کتاب مقدس رو بیشتر بشناسیم میخواهیم بیشتر در این باره بدونیم. »

از اونا پرسیدم خوب روی هم رفته بیشتر نیاز دارید چه چیزی در مورد کتاب مقدس بدونید؟ و شروع کردیم به تهیهٔ فهرستی در موارد مختلف. مطالعهٔ عهد قدیم، مطالعهٔ عهد جدید، چگونگی مطالعه کتاب مقدس ؟ چطور کتاب مقدس رو تعلیم بدیم که انجیل توسعه پیدا کنه؟ در مورد مسائل مختلفی صحبت کردیم و من اونجا نشستم و این چیز هارو یادداشت کردم. بعد از این صحبتها به محض اینکه از اون آپارتمان به بیرون خزیدیم سوار هواپیما شدم و به امریکا برگشتم. و همه اش به این فکر بودم در جایی که دارم به اون بر میگردم چطور میتونم این چیز ها رو جامهٔ عمل بپوشونم؟ خد ارو برای فیضی که امسال نشون داد شکر میکنم که از سراسر دنیا هزاران نفر رو گرد آورد تا کلام او رو بجای دیگر خواهران و برادران در دیگر کشور ها مطالعه کنند. و من میخوام در همین ابتدای درسمون یادآوری کنم که امیدوارم بررسی عهد جدید شما رو به چالش بکشه و تشویق کنه در رابطّهٔ شخصیتون با مسیح صمیمی تر بشید. اما میخوام اینو هم یادآوری کنم که ما داریم به جای خواهران و برادران دیگه مون کلام خدا رو مطالعه میکنیم.این وظیفهٔ سنگینی هست. این درسها ، به صدها زبان مختلف آموزش داده میشه . ما قبلاً عهد قدیم رو به زبان چینی ترجمه کردیم تا برادران و خواهرانی که با اونها کار میکنیم بتونن از اون استفاده کنن. فیض خدا به طرز باور نکردنی ای خودش رو نشون میده . اما میدونید چه چیزی از همه اینها بهتر میتونست باشه ؟ اینکه قوم خدا در ایالات متحده امریکا و در سراسر دنیا قلب خدا رو میداشتند ، و برای انتشار کلام خدا که به ما سپرده شده در قلبشون بار داشتند . ایا بهتر نبود ، به جای اینکه بریم و به اونها چیزهایی مادی بدیم ، خودمون رو وقف آموزش کلام خدا که به ما سپرده شده ، میکردیم؟ پس این حقیقیت رو به یادتون میارم که با تقوای یک مسیحی ، ما این وظیفه رو داریم که کلام خدا رو به دیگران انتقال بدیم و اونو فقط نزد خودمون نگه نداریم. بنابراین، این تحصیل کلام خدا فقط مال شما نیست. کلام خدا بنا به دلیلی به ما سپرده شده . تا اینکه توسط ما تکثیر بشه . خدا کسانی رو بلند میکنه که تنها گیرنده کلام نیستند. بلکه کسانی هستند که کلام خدا رو تکثیر میکنند. امیدوارم که خدا هزاران مسیحی رو از ملت های مختلف در هر کجا بلند کنه تا اینکه عهد جدید رو به سراسر جهان ببرند.

© David Platt 2007 28

آیا اماده اید؟

حالا میخوایم به جزئیات بپردازیم. میخوام یاد آوری کنم که امشب اینجا به این دلیل جمع نشدیم که پذیرایی بشیم . زمانی که در صرف این مطالعه می کنیم ، بسیار پر ارزشه . این مطالعه ای عمیق و جدی خواهد بود. میخوام تشویقتون کنم که طوری یاد داشت بردارید که بتونید به درستی ، کلام رو تعلیم بدید. این چیزیه که ، من فردا ، هفته آینده و سال بعد هم خواهم گفت. پس وقتی یادداشت بر میدارید با این هدف اینکارو بکنید که بتونید به دیگران تعلیم بدید. بسیار خب؟

بررسی عهد جدید ، از ابتدا . آیا آماده اید؟

چطور باید عهد جدید رو مطالعه کرد؟

با در نظر گرفتن سه بُعد

چطور باید عهد جدید رو مطالعه کنیم؟

ما از سه جنبه یا سه دیدگاه این رو بررسی خواهیم کرد . قبل از همه از جنبه ادبی بر رسی میکنیم. وقتی به عهد جدید میرسیم ،میبینیم که این کتاب یک قطعه ادبی هست. بنابر این ، بُعد ادبی این کتاب مهمه و بهتره که از این دیدگاه به اون نگاه کنیم. این کتاب به عنوان یک قطعه ادبی در قالب یک کتاب چطور گرد آوری شده ؟

بُعد دوم بعد تاریخی اون هست. این فقط داستان یا افسانه هایی از زمان قدیم نیست که شاید حقیقت باشه و شاید هم نه . اینها حقایق تاریخی هستند که اونها رو خواهیم خوند. حقایقی تاریخی که ایمان داریم در طی تاریخ به دست بسیاری از انسانها رسیده . از جمله خود ما که امروزه اون رو مطالعه میکنم. چون عهد جدید دارای ارزش تاریخی هست ، به این دلیل لازمه که اون رو بررسی کنیم. بُعد ادبی ، تاریخی ، و سومین بُعد ،که بُعد الهیاتی اون هست.

عهد جدید در مورد خدا به ما چی تعلیم میده ؟ نهایتاً این چیزیه که ما از اون خواهیم آموخت.

ما این دوره مطالعاتی رو به دوبخش تقسیم خواهیم کرد. در اولین بخش به بُعد ادبی و تاریخی عهد جدید نگاه خواهیم کرد ، و چشم اندازی از کتاب های عهد جدید به دست خواهیم آورد. در بخش دوم و آخرین قسمت از درسها ، نگاهی خواهیم داشت به اینکه چطور همه اینها بر روی هم شرحی از مسیح و خدا رو به ما ارائه میدن. و نتیجهٔ اون در زندگی های ما.

پس سه بُعد وجود داره که ما از سه دیدگاه اونها رو بررسی خواهیم کرد.

عهد جدید چیست ؟

عهد جدید از بُعد ادبی :

عهد جدید چیه؟ به عهد جدید به لحاظ ادبی فکر کنید. عهد جدید مجموعه ای از بیست و هفت کتاب هست. بیست و هفت کتاب که توسط نویسنده ای الهی نوشته شده . و خیلی مهمه که اینو به خاطر داشته باشید که خدا ، روح القدس ، نویسنده این کتاب مقدس هست. ما این رو بارها در کتاب مقدس خواهیم دید. تقریباً 9 نفر ، این کتاب رو نوشتند که عبارتند از : متی ، مرقس ، لوقا و یوحنا که چهار کتاب اول رو نوشتند. بعد پولس و پطرس و بعد از اون یهودا و نویسنده عبرانیان که مشخص نیست . بعضی ها معتقدند که کتاب عبرانیان توسط دو نفر نوشته شده . به اون خواهیم رسید. و به این دلیله که

گفتیم تقریباً نُه نفر. کتاب عبرانیان کمی متفاوت هست. اون به زبان یونانی محلی نوشته شده . که اساساً زبان رایج یونانی هست. عبرانیان به زبان عامه مردم نوشته شده . ما تا دقایقی راجع به اون صحبت خواهیم کرد.
طی دوره ای کمتر از صد سال ، این کتاب ها گردآوری شدند. اساساً این کتابها در کمتر از یک قرن نوشته شدند. در ابتدا از زندگی و خدمت مسیح ،شروع شده و چیزهایی از اون دوره رو ثبت کرده و حتی تا بعد از صعود مسیح هم تمام نشده . و بعد شما نسلی از مردم رو میبینید که شاهدان عینی عیسی مسیح بودند و حتی با او معاشرت کردند. پس این کتاب ها در کمتر از یکصد سال ، نوشته شده اند.

سه دستهٔ کلی در عهد جدید :

دستهٔ اول روایت های تاریخی هستند که اساساً ، داستان گونه هستند. داستان هایی تاریخی که نحوه کنار هم قرار گرفتن وقایع رو نشون میده .
دستهٔ دوم رسالات هستند . در عهد قدیم ، برای نامه از کلمهٔ «رساله» استفاده میشده . و دسته سوم مکاشفه هست. مکاشفه هم به لحاظ تکنیکی یک نامه هست. اما تا حدودی عجیب به نظر میرسه . پس سه دسته مختلف در ادبیات عهد جدید هست. وقایع تاریخی، رسالات و مکاشفه که منحصر به فرده .

سه ویژگی کلیدی ادبیات عهد جدید :

این سه ویژگی برای درک عهد جدید بسیار مهم هستند. اولاً صحت وقایع تاریخی وجود داره . لازمه درک کنیم تمامی چیزهایی رو که میخونیم توسط کسانی نوشته شدند که شاهدان عینی مسیح و یا شاهدان عینی در کلیساهایی بودند که در مورد اون کلیساها ها صحبت میکنند. یا شخصاً با شاهدان عینی حشر و نشر داشتند. اگر به اناجیل نگاه کنید ، مثلاً متی و یوحنا که رسول بودند ، و واضحه که مسیح رو دیده بودند و با او معاشرت کرده بودند ، با او راه رفته بودند ، و بعد مرقس و لوقا رو داریم . مرقس بسیار با پطرس صمیمی بوده . پس مرقس با پطرس معاشرت داشته که مسیح رو به خوبی میشناخته و لوقا که با پولس معاشرت می کرده . ما میبینیم که لوقا با پولس در سفرهای خدمتی همسفر بودند. پس از همون ابتدا شما متوجه ارتباطی میشید. عهد جدید فقط نقل قول دست دوم افراد نیست. اون وقایع تاریخی ایه که از شاهدان عینی روایت شده . چیزهاییه که شخصاً دیدند و شنیدند.
دومین ویژگی موثق بودن متون هست. بدین معنا که اساساً اعتبار متون عهد جدید ، رو میشه از دست نوشته های قدیمی درک کرد. ما دست نوشته های بیشتری نسبت به هر کتاب قدیمی دیگه داریم که میتونیم اونها رو با همدیگه مقایسه کنیم.
ما هزاران نسخه خطی داریم که قدمت اونها حتی تا زمان اولین نوشته ها ، هم بر میگرده . و اونها تفاوت هایی دارند . حتی در جاهایی از عهد جدید هم میبینید که این دست نوشته ها تفاوت هایی دارند. که اساساً متن های مختلفی هستند و بنظر میرسه که چیز های متفاوتی میگند. در پایان مرقس بخشی هست که روی اون بحث میشه که آیا جزء مرقس هست یا نه. در این باره صحبت خواهیم کرد. اما اساساً چیزی که لازمه بدونیم اینه که 99/9% اون جای بحث نداره. ما تفاوت هایی جزئی میبینیم اما این تفاوت ها تأثیر عمده ای در درک حقایق کلیدی دربارهٔ عیسی و نقش او در عهد جدید نداره.
سومین ویژگی اقتدار الهی هست. این 27 کتاب که خدا توسط کلیسای خودش برای کلیسای خودش تصدیق و احراز کرده همگی از اقتداری الهی برخوردارند. عده ای هستند که از روند استقرار کتابهای خاصی در عهد جدید انتقاد میکنند. و میگند عهد جدید ساختهٔ کلیسا هست . خانمها و آقایان باید بگم کلیسا خالق عهد جدید نیست. عهد جدید خالق کلیسا هست. خدا با اقتدار الهی خودش توسط مردان و زنانی در قرن یکم اونو تدوین کرده تا اینکه قرنها بعد به شکل مدون امروزی در اومده

دوم تیموتائوس 16:3 میگه: *تمامی کتب مقدس الهام خداست و برای تعلیم و تأدیب و اصلاح و تربیت در پارسائی سودمند است.* این کتابها ازاقتداری الهی برخوردارند و خدا عهد جدید رو توسط کلیسا خلق کرده.

وقایع عهد جدید کی و کجا اتفاق افتادند؟

بررسی عهد جدید به لحاظ تاریخی

وقایع عهد جدید کی و کجا اتفاق افتادند؟ اونا در کجا و کی واقع شدند؟ عهد جدید تاریخ هست. اساساً در پایان عهد قدیم در کتاب ملاکی میبینیم که چطور قوم خدا از اسارت باز گردانده شدند.

اونها معبد اورشلیم و دیوارهای دور شهر اورشلیم رو بازسازی کردند . و بعد تا چندین قرن هیچ اتفاقی نیفتاد. اونها هیچ کلام موثقی از خدا نشنیدند.

دورهٔ بین دو عهد

طی اون دوره که با حکومت پارسیان شروع شد ، کورورش پادشاه پارس رو در اواخر عهد قدیم میبینید. و بعد از اون وارد دوره حکومت یونانی ها میشویم که توسط مردی به نام اسکندر کبیر اداره میشد.بعد از اون دوره، مُکابی ها یا مکابیان بر سر کار اومدند که طی این دوره یهودیان بار دیگر علیه سلوکیان شورش کردند و بار دیگر یهودیت را در سرزمین موعود احیا کردند. این سلسله حدود یکصد سال حکومت کردند . بعد از اون یک سردار رومیِ امپراطور پمپئی ، اورشلیم رو فتح کرد. و بعد از اون وارد دوره رومیان میشیم . میخوایم ببینیم که چرا این اهمیت داره . دورهٔ رومی ها از حدود شصست و سه قبل از میلاد تا زمان عهد جدید ادامه داشته . پس لازمه که درک کنیم وقتی عیسی آمد ، عملاً امپراطوری رم بر سر کار بود. بعد هیرودیس کبیر و پسران او کنترل رو به دست گرفتند و باز میبینید که به افراد مختلفی در مکان های مختلف در عهد جدید اشاره شده که تقریباً با امپراطوری رم ، مرتبط بودند. پس این رو به خاطر داشته باشید ، چون بعد خواهیم دید که در بعضی از کتب عهد جدید این اهمیت زیادی پیدا میکنه .

حدود 70 بعد از میلاد ، امپراطوری رم به اورشلیم حمله کرد و معبد رو ویران کرد. معبد در سال 70 میلادی به کلی نابود و اورشلیم غارت شد.

قوم یهود و در برخی عرصه دین یهود هم تحت تأثیر قرار گرفت. خب تمام اینها دور ۀ بین دو عهد رو در بر میگیره .

خط سیر زمانی عهد جدید

آغاز عهد جدید بر مبنای تولد عیسی مسیح قرار گرفته و به اعتقاد بعضی از محققین از چهار یا شش قبل از میلاد شروع میشه . بسیاری بر این باور هستند که کتاب مکاشفه در پایان قرن یک ، نوشته شده .حالا میخوام نهایت سعی ام رو بکنم که چیزهایی رو بهتون یاد بدم که در درستی اونها جای شکی نیست.

عدۀ زیادی از محققین عهد جدید بر سر چیزهای مختلفی بحث میکنند. و ما میتونیم وقت بذاریم و اونها رو مطالعه کنیم. اما من فکر نمی کنم برای ما ارزش چندانی داشته باشه . من فکر می کنم که بهتره ما وقتمون رو صرف این بکنیم که ببینیم در عهد جدید چی میدونیم؟

پس میخوام نهایت سعی ام رو بکنم که هر چیزی رو که میبینیم ،با دقت و احتیاط بهش نگاه کنیم و به چیزهایی خواهیم پرداخت که معلمین کتاب مقدس با اون موافق هستند. اگر چیزی هست که بر سرش بحثی وجود داره اما مهمه ، اون رو به شما خواهم گفت.

به موقع بودن عهد جدید

اینجا چیز خوبی میبینیم . این بهترین زمان برای آمدن عیسی است. اولاً به لحاظ الهیاتی زمان خوبی برای آمدن او بود. عهد قدیم دقیقاً ما رو به این نکته رسونده .

قوم خدا در عهد قدیم ، مدت های زیادی بود که منتظر آمدن مسیحای موعود بودند. شریعت عهد قدیم نیاز اونها رو به مسیحا نشون داده بود. و این بهترین زمان به لحاظ الهیاتی برای آمدن عیسی بود.

در ثانی بهترین زمان به لحاظ مذهبی بود. اکثراً قوم یهود در دوره بین دو عهد به بت پرستی رو آورده بودند. اونها کنیسه ها رو رها کرده بودند. کنیسه ها محلی برای پرستش , و مدارسی برای تعلیم بودند که در سرتاسر سرزمین اسرائیل گسترش پیدا کرده بودند. و این جاییه که میبینیم پولس در سفرهای خدمتی اش به اونجا میره . او به معابد میرفت . آشکارا میبینیم که عیسی هم پادشاهی خدا رو در معبد اعلام میکنه و این بسیار مهم بوده . پس به لحاظ مذهبی زمان آمدن عیسی زمان کاملی بوده . چونکه در این زمان اونها عهد قدیم رو تمام کرده بودند. به لحاظ فرهنگی هم ،زمان اومدن عیسی، زمانی درست بوده . رواج زبان یونانی شاهدی بر این واقعیت هست. اساساً اسکندر کبیر چند قرن قبل ، سرتاسر دنیای قدیم رو زیر پا گذاشته و زبان مشترکی رو ایجاد کرده بود. زبانی بین المللی . او اساساً زبان یونانی محاوره ای رو به عنوان زبان رسمی پایه ریزی کرد که قبلاً هم بهش اشاره کردم. یکی از اهداف او« یک دنیا و یک زبان » بود. پس به این ترتیب یک زبان مشترکی بود که عهد جدید میتونست به اون زبان نوشته بشه و در بین فرهنگ های مختلف انتشار پیدا کنه . بلاخره آمدن عیسی به لحاظ سیاسی نیز در بهترین موقعیت انجام گرفت. در امپراطوری رم ، شما واژه ای به نام «رمانا» میبینید که معنای اون «امنیت رومی » هست. فلسطین ، تحت فرمان رومیان اداره میشد . یکی از مهمترین کارهایی که رومیان کردند احداث جاده هایی بود که مردم میتونستند در اونها با خاطری آسوده سفر کنند.

از طریق این جاده ها بود که انجیل میتونست به سلامتی ، به جاهای مختلف انتقال پیدا کنه . حالا میخوام به این چیزها فکر کنید. به لحاظ الهیاتی ، مذهبی ، و حتی این زبان مشترک و امنیت رومی شرایطی فراهم شد که تحت اون شرایط عیسی آمد و تحت همین شرایط بود که انجیل در تمامی اون سرزمین ها موعظه شد. خدا توی آسمان ننشسته بود ، که فکر کنه و بگه: خب عیسی فکر میکنم این بهترین زمانه و حالا میخوام تو رو پایین بفرستم پس بلند شو و به اونجا برو . بلکه میخوام ببینید که خدای حاکم بر تمامی جهان، وقایع خاصی رو طرح ریزی میکرده تا لحظهٔ موعود فرا برسه . تا در زمان موعود عیسی مسیح رو بر روی زمین بفرسته تا مصلوب بشه و بمیره و از مردگان قیام کنه و کلیساهای عهد جدید شروع بشند. و این زمان درستی بود.

شما در کتاب راهنمای خودتون در صفحات شش و هفت نقشه ای از فلسطین رو دارید. امیدوارم که اون به شما دیدیگاه مختصری بده تا بتونید بعضی چیزها رو متوجه بشید. وقایع مختلفی رخ میدند. خصوصاً در برخی اناجیل. اما وقتی به سفرهای خدمتی پولس نگاه میکنیم ، به تمامی این وقایع به لحاظ جغرافیایی فکر کنید.

نگاهی به کتاب های عهد جدید

حالا ازتون میخوام که نگاهی کلی بندازیم به کتاب های عهد جدید. اساسا میخوام که اونها رو یکی یکی بر رسی کنیم. و متوجه بشیم که کتاب های عهد جدید چه چیزی رو به ما آموزش میدن .

سه بخش عمده

ما در دسته بندی کتاب ها در این مورد صحبت کردیم. و گفتیم که کتاب ها سه دسته هستند. اولاً داستان های عهد جدید. حدود 60% از عهد جدید مربوط به داستان ها میشه . 5 کتاب اول : متی مرقس لوقا ، یوحنا و اعمال رسولان ، داستان عهد جدید رو با ما در میون میذارن . دسته دوم نامه های عهد جدید هستند. اونها رسالات یا نامه هایی هستند که نوشته شدند تا به ما کمک کنند وقایعی رو که در متی ، مرقس ، لوقا و یوحنا و کتاب اعمال رسولان هست درک کنیم. کتاب های عهد جدید طبق ترتیب تاریخی تدوین نشدند .

شما اکثر این نامه ها رو میبینید که در زمینه ای نوشته شدند که از اعمال یک تا اعمال بیست و هشت رو در بر میگیره . پس شما کتاب های داستان و رسالات رو دارید . و بلاخره جمع بندی عهد جدید یا مکاشفه که به لحاظ تکنیکی یک نامه هست اما با دیگر نامه ها تفاوت عمده ای داره . پس کتاب پایانی یا مکاشفه رو درانتهای عهد جدید داریم .

کاری که میخوام در هر کتابی انجام بدم اینه که میخوام خلاصه ای به دو روش ارائه بدم. اول میخوام در همون ابتدا بعضی اطلاعات مقدماتی رو بهتون بدم که کمکتون میکنه این کتاب ها رو همینطور که پیش میریم به خوبی درک کنید. اطلاعات مقدماتی برای مبتدیان . و دوم بعضی توصیه های عملی برای مطالعه به شما خواهم داد. توصیه هایی عملی که میتونید با استفاده از اونها در مطالعه این کتاب های متفاوت تعمق کنید. پس اولی اطلاعات مقدماتی برای مبتدیان و بعد توصیه های عملی برای مطالعه .

داستان عهد جدید

بسیار خب داستان عهد جدید . ما اول کتاب های متی مرقس ، لوقا یوحنا و اعمال رو مطالعه خواهیم کرد. زندگی و خدمات مسیح (متی – یوحنا):

اساساً در داستان های عهد جدید دو دسته بندی هست. اول ، زندگی و خدمات مسیح که از متی تا یوحنا ادامه داره . همه این کتاب ها متی مرقس ، لوقا و یوحنا با همدیگر مرتبط هستند . چونکه همه با یک هدف اصلی نوشته شدند. اونها نوشته شدند تا داستان عیسی رو در انجیل به ما نشون بدن. میخوام اینو بدونید که این کتاب ها به ترتیب وقوع زمانی به عنوان زندگی نامه عیسی نوشته نشدند. تعدادی از اونها اصلاً بر مبنای تاریخ وقوع تدوین نشدند. اونها با این هدف اصلی نوشته شدند که مسیح رو به کسانی نشون بده که به اون کتاب ها گوش میکنند . اما چرا بعضی تفاوت ها رو میبینیم. چرا می بینیم داستان های متفاوتی توسط نویسندگان مختلف نوشته شده ؟ چون اگرچه اونها با هدف مشترک و مشخصی نوشته شدند ، اما از دیدگاه های متفاوت و توسط شنوندگان مختلفی نوشته شدند.

این کتاب ها توسط چهار شخص مختلف نوشته شده . چهار شخص متفاوت با شخصیتی متفاوت و دیدگاه هایی متفاوت که خطاب به افراد مختلفی نوشته شدند.

حالا میخوام به این فکر کنید که مخاطبین چطور از طرز نوشتن شما تأثیر میپذیرند. برای اینکه بتونیم متی مرقس ، لوقا و یوحنا رو درک کنیم ، باید خودمون رو در موقعیت فرهنگی اون افرادی قرار بدیم که مخاطب این کتاب ها بودند. چون وقتی شما با کسی حرف میزنید باید در نظر بگیرید که زمینه ی فکری اونها چی هست؟

باید توجه کنید که قبلاً چی درک کردند . و این دو هزار سال بعد برای ما چالشی هست که خودمون رو در موقعیت واقعی خوانندگانِ اون دوره قرار بدیم و بفهمیم که اونها چه زمینه فرهنگی داشتند تا بتونیم بفهمیم چرا متی این رو گفته و یا چیز دیگری. به این دلیله که مطالعه عهد جدید در کتاب مقدس کاری فراتر از روخوانی این کتاب هست .البته که روخوانی کتاب مقدس مهمه . اما برای درک اون باید بفهمیم که این مطلب برای مخاطبین اون دوره چه مفهمومی داشته . ما باید خودمون رو در موقعیت خوانندگان و شنوندگان در اون دوره قرار بدیم.

حیات و خدمت کلیسا (اعمال رسولان)

در عهد جدید زندگی و خدمات عیسی رو داریم و بعد حیات و خدمات کلیسا .
حیات و خدمات کلیسا در اصل بخش دوم انجیل لوقا هست . چون لوقا هر دوی این کتاب ها رو نوشته .

متّی

اطلاعات مقدماتی برای مبتدیان

بسیار خوب، آماده هستیم؟ میخوایم مطالعه امون رو شروع کنیم. اگه بخواید میتونید در طول درس یادداشت بردارید. لطفاً کتاب متی رو باز کنید، ما آیات مختلفی رو بررسی خواهیم کرد. و درضمن به هر کدوم از اون کتابها نگاهی خواهیم انداخت. از متی شروع میکنیم، متی یک خراج گیر یهودی بود. این عجیب نیست؟ خدا تصمیم میگیره که اولین نویسندهٔ عهد جدید متی باشه، مردی که مورد سؤظنّ قوم خودش هست که از اونها سؤ استفاده میکنه. متی منفورترین مرد برای نوشتن اولین کتاب عهد جدید بکار گرفته میشه. آیا خوشحال نیستید که خدایی داریم که بهترین ها رو انتخاب نمیکنه؟ افراد محبوب زیادی بودند اما خدا تصمیم میگیره منفور ترین رو انتخاب کنه. خدا رو شکر که فیض خودش رو نثار کسانی میکنه که هرگز نمیتونند شایستهٔ اون باشند. ما از همون ابتدا حتی از انتخاب نویسنده اینو میبینیم. متی کتابش رو در حدود 70 یا 80 بعد از میلاد یعنی بلافاصله بعد از انهدام معبد نوشت. حالا این اهمیت داره. ما در کتاب متی خواهیم دید که او در نوشته هاش با قلب و جان یهودیت در کشمکش هست. یهودیت رو میبینید که به یکی از دو مسیر میره یا به سمت فریسیان و یا به سمت مسیح. او یهودیان مسیحی رو بر می انگیزه یا یهودیانی رو که در فکر ایمان آوردن به مسیح و پیروی از مسیح بودند. به این دلیله که اودر این کتاب این توصیف رو میکنه. او میخواد هستهٔ مرکزی یهودیت بدونند که یهودیت در شخص عیسی مسیح به کمال رسید. و به این دلیل این کتاب رو مینوسه. موضوع اصلی کتاب اینه که عیسی پادشاه یهوده. از همون ابتدا او بارها و بارها به این مسئله اشاره میکنه. ما بعد خواهیم دید که عیسی پادشاه هست.

آیات کلیدی:

اما چون او در این چیزها تفکر میکرد، ناگاه فرشته خداوند در خواب بر وی ظاهر شده، گفت: «ای یوسف پسر داود، از گرفتن زن خویش مریم مترس، زیرا که آنچه در وی قرار گرفته است، از روح‌القدس است. و او پسری خواهد زایید و نام او را عیسی خواهی نهاد، زیرا که او امت خویش را از گناهانشان خواهد رهانید.» و این همه برای آن واقع شد تا کلامی که خداوند به زبان نبی گفته بود، تمام گردد «که اینك باکره آبستن شده پسری خواهد زایید و نام او را عمانوئیل خواهند خواند که تفسیرش این است: خدا با ما.» متی 1:20 – 23

و هنگامی که عیسی به نواحی قیصریه فیلپس آمد، از شاگردان خود پرسیده، گفت: «مردم مرا که پسر انسانم چه شخص می‌گویند؟» گفتند: «بعضی یحیی تعمید دهنده و بعضی الیاس و بعضی اِرمیا یا یکی از انبیا.» ایشان را گفت: «شما مرا که می‌دانید؟» شمعون پطرس‌در جواب گفت که »تویی مسیح، پسر خدای زنده!» عیسی در جواب وی گفت: «خوشابحال تو ای شمعون بن یونا! زیرا جسم و خون این را بر تو کشف نکرده، بلکه پدر من که در آسمان است. و من نیز تو را می‌گویم که تویی پطرس و بر این صخره کلیسای خود را بنا می‌کنم و ابواب جهنّم بر آن استیلا نخواهد یافت. و کلیدهای ملکوت آسمان را به تو می‌سپارم؛ و آنچه بر زمین ببندی در آسمان بسته گردد و آنچه در زمین گشایی در آسمان گشاده شود.» آنگاه شاگردان خود را قدغن فرمود که به هیچ کس نگویند که او مسیح است. متی 13:16 – 20

پس عیسی پیش آمده، بدیشان خطاب کرده، گفت: «تمامی قدرت درآسمان و بر زمین به من داده شده است پس رفته، همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسمِ اب و ابن و روح‌القدس تعمید دهید. و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند. و اینک من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم.» آمین متی 18:28 – 20

توصیه های عملی برای مطالعه:

میخوام تشویقتون کنم در سرتاسر کتاب متی به تأکید بر پادشاهی خدا(ملکوت خدا) دقت کنید. وقتی این کتاب رو میخونید بارها و بارها به پادشاهی خدا یا ملکوت آسمان برخورد خواهید کرد. ودر خلاصهٔ ساختار این کتاب میبینید که تأکید عمده بر شاه هست. بیشترین تأکید متی بر تعالیم مسیح عیسی هست. پنج بخش عمدهٔ تعلیمی در این کتاب هست وهر کدوم از این بخشها از همون خط سیر پیروی کرده اند.

1 – معرفی پادشاه در نخستین آیات باب یک

2 – در دو باب اول ما داستان تولد عیسی مسیح ناصری پادشاه قوم یهود رو میبینیم .

3 – در تعمید عیسی مسیح و شروع خدمات عمومی او خدا بر هویت عیسی شهادت میده و میفرماید «این است پسر حبیب من که از او خشنودم. » متی 17:3

4 – متی 12:4 و29:7 اعلام پادشاهی خدا. متی موعظه های عیسی رو اینطور خلاصه میکنه: از آن هنگام عیسی به موعظه شروع کرد و گفت: «توبه کنید زیرا ملکوت آسمان نزدیک است. » متی 17:4

5 – متی 1:8 و 42:10 قدرت و خدمت ملکوت خدا – یکی از مثالهای قدرت ملکوت رو میتو نیم در متی 23:8 – 27 ببینیم:

چون به کشتی سوار شد، شاگردانش از عقب او آمدند. ناگاه اضطراب عظیمی در دریا پدید آمد، بحدی که امواج، کشتی را فرو می‌گرفت؛ و او در خواب بود. پس شاگردان پیش آمده، او را بیدار کرده، گفتند: «خداوندا، ما را دریاب که هلاک می‌شویم!» بدیشان گفت: « ای کم ایمانان، چرا ترسان هستید؟» آنگاه برخاسته، بادها و دریا را نهیب کرد که آرامی کامل پدید آمد. اما آن اشخاص تعجّب نموده، گفتند: «این چگونه مردی است که بادها و دریا نیز او را اطاعت می‌کنند! .»

متی 35:9 – 38 خدمت ملکوت رو نشون میده:

و عیسی در همه شهرها و دهات گشته، درکنایس ایشان تعلیم داده، به بشارت ملکوت موعظه می‌نمود و هر مرض و رنج مردم را شفا می‌داد. و چون جمعی کثیر دید، دلش بر ایشان بسوخت زیرا که مانند گوسفندانِ بی‌شبان، پریشان‌حال و پراکنده بودند. آنگاه به شاگردان خود گفت: «حصاد فراوان است لیکن عمَله کم. پس از صاحب حصاد استدعا نمایید تا عمَله در حصاد خود بفرستد.»

متی 1:11 و52:13 تحقیق در مورد ملکوت – این مطلب رو در متی 2:11 – 6 میبینیم:

و چون یحیی در زندان، اعمال مسیح را شنید، دو نفر از شاگردان خود را فرستاده، بدوگفت: «آیا آن آینده تویی یا منتظر دیگری باشیم؟» عیسی در جواب ایشان گفت: «بروید و یحیی را از آنچه شنیده و دیده‌اید، اطّلاع دهید که کوران بینا می‌گردند و لنگان به رفتار می‌آیند و ابرصان طاهر و کران شنوا و مردگان زنده می‌شوند و فقیران بشارت می‌شنوند؛ و خوشابحال کسی که در من نلغزد.»

متی 53:13 و 35:18 مخالفت با ملکوت و اقرار به ملکوت. متی 13:16 – 18 اعتراف پطرس بر هویت مسیح رو ثبت کرده:

و هنگامی که عیسی به نواحی قیصریه فیلپس آمد، از شاگردان خود پرسیده، گفت: «مردم مرا که پسر انسانم چه شخص می‌گویند؟» گفتند: «بعضی یحیی تعمید دهنده و بعضی الیاس و بعضی اِرمیا یا یکی از انبیا.» ایشان را گفت: «شما مرا که می‌دانید؟» شمعون پطرس‌در

جواب گفت که »تویی مسیح، پسر خدای زنده!» عیسی در جواب وی گفت: «خوشابحال تو ای شمعون بن یونا! زیرا جسم و خون این را بر تو کشف نکرده، بلکه پدر من که در آسمان است. و من نیز تو را می‌گویم که تویی پطرس و بر این صخره کلیسای خود را بنا می‌کنم و ابواب جهنّم بر آن استیلا نخواهد یافت.

متی 1:19 و46:25 – پذیرش و رد کردن ملکوت. ما این رو از مثلی که عیسی در متی 28:21 – 32 آورده متوجه میشیم.

لیکن چه گمان دارید؟ شخصی را دو پسر بود. نزد نخستین آمده، گفت: "ای فرزند امروز به تاکستان من رفته، به کار مشغول شو." در جواب گفت: "نخواهم رفت." اما بعد پشیمان گشته، برفت. و به دوّمین نیز همچنین گفت. او در جواب گفت: "ای آقا من می‌روم." ولی نرفت. کدام یک از این دو خواهش پدر را بجا آورد؟» گفتند: «اوّلی.» عیسی بدیشان گفت: « هرآینه به شما می‌گویم که باجگیران و فاحشه‌ها قبل از شما داخل ملکوت خدا می‌گردند، زانرو که یحیی از راه عدالت نزد شما آمد و بدو ایمان نیاوردید، اما باجگیران و فاحشه‌ها بدو ایمان آوردند و شما چون دیدید، آخر هم پشیمان نشدید تا بدو ایمان آورید.

متی 26 – 28 پیروزی ملکوت. پادشاه قیام کرده به شاگردانش و همهٔ مسیحیان مأموریتی بزرگ میدهد متی 16:28 – 20

اما یازده رسول به جلیل، بر کوهی که عیسی ایشان را نشان داده بود رفتند. و چون او را دیدند، پرستش نمودند. لیکن بعضی شک کردند. پس عیسی پیش آمده، بدیشان خطاب کرده، گفت: «تمامی قدرت درآسمان و بر زمین به من داده شده است پس رفته، همه امت‌ها را شاگرد سازید و ایشان را به اسمِ اب و ابن و روح‌القدس تعمید دهید. و ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند. و اینک من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می‌باشم.» آمین.

پنج بخش عمدهٔ تعلیمی داریم و بعد از اون اعمال عیسی که معنی اون تعالیم رو به ما نشون میده . پس این کاریه که متی کرده . او مطالب رو به ترتیب زمان وقوع تنظیم نکرده . اما به خوبی کمک کرده که متوجه تعالیم عیسی بشیم. احتمالاً مشهورترین تعلیم عیسی در همون ابتدای متی و در آغاز خدمت مسیح در موعظهٔ سر کوه در متی پنج تا هفت هست.

حالا این اهمیت تعالیم مسیح رو در سرتا سر کتاب نشون میده . میخوام تشویقتون کنم که اگر متی رو میخونید به ارجاعات اون هم دقت کنید. یعنی جایی که کتاب مقدس به بخش دیگری از کتاب ارجاع میده .

تصورات غلط و سؤالاتی که ممکنه در جایی از کتاب مقدس برای کسی پیش میاد ، با مراجعه به بخش های دیگه میتونه رفع بشه .

حدود صدو بیست و نه ارجاع یا اشاره به بیست و پنج کتاب از سی و نه کتاب عهد قدیم در متی وجود داره .

میبینید که چرا مطالعهٔ عهد قدیم مهمه . برای مطالعهٔ متی ، ما ناگزیر از دانستن عهد قدیم هستیم. او بارها و بارها به عهد قدیم اشاره میکنه .

دوازده بار در جاهای مختلف این کتاب به این اشاره میکنه که عهد قدیم به کمال رسید و تموم شد.

از ابتدا تا انتهای موعظه سر کوه عیسی گفته : « این به انجام رسید.»

این ، ارتباطی قوی با عهد قدیم هست . وقتیکه تعالیم عیسی مسیح رو میخونید یادتون باشه خودتون رو در موقعیت شنوندگان اون زمان قرار بدید. ما باید بافت فکری اونها رو بدونیم تا بتونیم کتاب متی رو درک کنیم.

مرقس

اطلاعاتی مقدماتی برای مبتدیان

دومین انجیل ، انجیل مرقس هست که توسط مرقس که دوست صمیمی پطرس بود نوشته شده . مرقس این کتاب رو بین سالهای شصت و پنج تا هفتاد بعد از میلاد نوشته . یعنی قبل از ویرانی معبد. اما این کتاب در خلال زمانی نوشته شده که شورش های زیادی در بین قوم یهود و یورش امپراطوری روم علیه یهودیان در جریان بوده . واضحه که اگر عاملی سبب جنگ شده ، این منتهی به ویرانی معبد و غارت شهر اورشلیم شده. و این فشارها تا زمانی ادامه داشته که مرقس این کتاب رو خطاب به مسیحیان غیر یهودی در رم نوشته که تحت ستم رومیان بودند.

واضحه که درگیری هایی بین رومیان و یهودیان وجود داشته . مردم در اون دوره بر این باور بودند که مسیحیت ، فرقه ای از یهودیت هست و اونها جفاهای شدیدی رو در رم تجربه میکردند و مرقس خطاب به این افراد نوشته تا اونها رو دلگرم کنه .

و نتیجه اش چیزی بوده که میخوام بهتون نشون بدم.

به آخر مرقس باب 16 مراجعه کنید. چیزی که در جریانه اینه که ایمانداران با فشار های زیاد و با آزار هایی جدی مواجه بودند و بسیاری از اونها ایمانشون متزلزل شده . وقتیکه آزار ها علیه اونها شروع شد ، اونها شروع به شک کردند. آیا مسیح حقیقت داشت؟

آیا واقعاً ما باید به این راه ادامه بدیم؟ آیا باید در ایمان به او به پیش بریم؟

میخوام به مرقس 16 نگاه کنید. شما قیام مسیح رو دارید و بعد با هم به آیه شش نگاه کنیم که میگه :

« او بدیشان گفت: «ترسان مباشید! »

مرد جوانی در آیه پنج با اونهایی که وارد مقبره شده بودند صحبت میکنه و به اونها می‌گه :

« ترسان مباشید! عیسی ناصری مصلوب را می‌طلبید؟ او برخاسته است! در اینجا نیست. آن موضعی را که او را نهاده بودند، ملاحظه کنید. »

حالا اون داستان به ما میگه که او اینجا نیست . یکی از بهترین زمان های من که در اورشلیم سپری کردم زمانی بود که با یک تور از محوطهٔ مقبره ای که عیسی در آن دفن شده بود بازدید می کردیم. راهنمای ما گفت نمیدونم چرا اینجا اومدید. تمام کسانیکه اینجا میاند حتماً به اینجا سری میزنند. اما اینجا چیزی نیست که ببینید. عیسی که دیگه اینجا نیست . و من فکر کردم بله . عجب حقیقیت حیرت انگیزی. او اینجا نیست. او قیام کرده . ما وقتمون رو تلف کردیم. ما هیچ چیزی اونجا ندیدیم. او رفته بود. و داستان همین بود. حالا میخوام تصور کنید اگر در وضعیتی قرار گرفتید که وسوسه شدید حرف نزنید و ایمانتون رو با کسی در میون نذارید میتونید به آیه هشت گوش کنید و ببینید ما رو به کجا هدایت میکنه . و این جاییه که بعضی ها فکر میکنند که کتاب مرقس عملاً تموم میشه .

تصور کنید که مرقس در همین آیهٔ هشت تموم بشه که میگه :

« پس زنان بزودی بیرون شده از قبر گریختند زیرا لرزه و حیرت ایشان را فرو گرفته بود و به کسی هیچ نگفتند زیرا می‌ترسیدند. »

حالا اگه کتاب همینجا تموم میشد ، چی میشد؟ آیا درک میکنید که چه نوع پیامی به کلیساهای عهد جدید میداد؟ فکرش و بکنید که اگر کسی چون ترسیده بود ، در مورد قیام عیسی مسیح حرفی نمیزد چه اتفاقی میافتاد؟

مرقس به ما یاد آوری میکنه که این چیزیه که ما باید در باره اش با مردم صحبت کنیم. اگر این خبر نزد اونها متوقف میشد ، قیام عیسی مسیح فقط یک داستان واقعی تاریخی میشد که

به قرن های دوم و سوم نمیرسید. خدا رو شکر میکنم که ایماندارانی که مرقس رو میخونند ، راهشون رو نمیکشند که برند و سکوت کنند. او برای مسیحیان غیر یهودی رومی نوشته که تحت شکنجه بودند.

موضوع اصلی در کتاب مرقس اینه که عیسی خادم رنج کشیدهٔ خداست. ما میبینیم که بارها و بارها به زجر هایی که عیسی کشیده اشاره شده . مهمترین متن ، مرقس 31:8 – 38 هست . اون آیات در مورد رنج های غیر منتظره ای صحبت می کنه که عیسی به شاگردانش گفت او رنج خواهد دید. و پطرس عیسی رو به کناری کشید و گفت شاید نمیدونی داری چیکار می کنی. عیسی گفت تو به من نگو که نمیدونم چیکار میکنم. و این رو با لحنی تند به او گفت . عیسی میگه : این کاریه که من واقعاً باید انجام بدم .

آنگاه ایشان را تعلیم دادن آغاز کرد که "لازم است پسر انسان بسیار زحمت کشد و از مشایخ و روسای کهنه و کاتبان رد شود و کشته شده، بعد از سه روز برخیزد." و چون این کلامرا علانیه فرمود، پطرس او را گرفته، به منع کردن شروع نمود. اما او برگشته، به شاگردان خود نگریسته، پطرس را نهیب داد و گفت: "ای شیطان از من دور شو، زیرا امور الهی را اندیشه نمی‌کنی بلکه چیزهای انسانی را. پس مردم را با شاگردان خود خوانده، گفت: "هر که خواهد از عقب من آید، خویشتن را انکار کند و صلیب خود را برداشته، مرا متابعت نماید. زیرا هر که خواهد جان خود را نجات دهد، آن را هلاک سازد؛ و هر که جان خود را بجهت من و انجیل بر باد دهد آن را برهاند. زیراکه شخص را چه سود دارد هر گاه تمام دنیا را ببرد و نفس خود را ببازد؟ یا آنکه آدمی چه چیز را به عوض جان خود بدهد؟ زیرا هر که در این فرقه زناکار و خطاکار از من و سخنان من شرمنده شود، پسر انسان نیز وقتی که با فرشتگان مقدس در جلال پدر خویش آید، از او شرمنده خواهد گردید."

در سرتاسر کتاب مرقس چیزی رو میبینید که بهش راز مسیحایی گفته شده . این رو در جاهای مختلف مرقس میتونید ببینید. آیا میدونید چرا عیسی میخواست خودش رو مخفی نگهداره ؟ دیوها شروع کردند به اعلام این که او عیسی مسیح هست. دیوها او رو شناختند در حالیکه هنوز کسی او رو نمیشناخت. و او همیشه چیزی مثل این میگفت : « هیسسس...به کسی چیزی نگید» یا گاهی او مردم رو شفا میداد و به اونها میگفت به کسی چیزی نگید. برید و به کسی چیزی نگید. چرا او اینکار و میکرد؟ چون او مأموریتی داشت . او باید مصلوب میشد. این مأموریت متفاوت از چیزی بود که هر کسی در ذهن خودش برای او تصور میکرد.

قصد همه این بوده که مسیحایی بیاد که او رو بلند کنند و او رو به عنوان شاه انتخاب کنند. تا رومیان رو از قدرت خلع کنه .

اونها اصلاً انتظار اینو نداشتند که مسیحایی از دختری به نام مریم متولد بشه و در محیطی محقرانه بزرگ بشه و بعد بد تر از همه ، مصلوب بشه .

این چیز نبود که از مسیحا انتظار میرفت . و این باعث شد که مردم در اکثر موارد او رو به عنوان مسیحا نپذیرند. و وقتی مردم اون حقیقت رو افشا میکردند او میگفت : صبر کنید . من مأموریتی دارم که باید انجام بدم. پس ما بارها و بارها این موضوع رو میبینیم که عیسی خادم رنج کشیدهٔ خداست. مرقس 43:10 – 45 میگه :

لیکن در میان شما چنین نخواهد بود، بلکه هر که خواهد در میان شما بزرگ شود، خادم شما باشد. و هر که خواهد مقدم بر شما شود، غلام همه باشد. زیرا که پسر انسان نیز نیامده تا مخدوم شود بلکه تا خدمت کند و تا جان خود را فدای بسیاری کند

توصیه هایی عملی برای مطالعه : مرقس عیسی رو همواره در حال حرکت نشون میده . او چهل و یک بار از « بلا درنگ » استفاده کرده . او میگه : « عیسی بلادرنگ این کار را کرد. ...عیسی بلافاصله اونکار رو کرد ، و ...»

اگر به مرقس یک نگاه کنید روزی رو در زندگی عیسی خواهید دید که هر وقت فکر کردید که خیلی سرتون شلوغه کافیه به مرقس یک نگاه کنید. او صبح موعظه اش رو در جایی شروع میکنه و شب به پایان میرسونه . و بعد او به خانهٔ دوستی سر میزنه . در حالیکه مادر اون دوستش مریض بوده . و بعد تصمیم میگیره که بره و او رو شفا بده . تا اینکه بتونه بلند شه و بعد از ظهر با اونها مشارکت کنه . بعد تمامی شهر شروع به آمدن میکنند. و کتاب مقدس میگه : تمامی مردم شهر درِ خانهٔ او صف کشیدند تا دیوها رو از اونها اخراج کنه ، بیماری هاشون رو شفا بده ، و به این ترتیب تمام شب رو صرف شفا دادن افراد در شهر میکنه . پس روز پر مشغله ای داشته . و زیباییش در مرقس 35:1 هست که میگه : بامدادان قبل از صبح برخاسته، بیرون رفت و به ویرانه‌ای رسیده، در آنجا به دعا مشغول شد.

این بسیار مهمه . خدایا به ما کمک کن که از مرقس 35:1 ببینیم که در بحبوحهٔ یک روز پر مشغلهٔ دنیایی زمانی برای خودمون پیدا کنیم که بتونیم به جای خلوتی بریم . و زمانی رو برای دعا کردن در حضور پدر اختصاص بدیم. من باید در سرتاسر کتاب مرقس به چیز متفاوتی تأکید کنم . توجه داشته باشید که تقریباً نیمی از انجیل صرف وقایعی شده که مربوط به آخرین هفتهٔ زندگی عیسی هست . تقریباً نیمی از وقایع مربوط به اون دوران هست . در مرقس یازده او وارد اورشلیم میشه . او نگران معبد هست . او شروع میکنه به تغییر دادن رویه اش. و ما میبینیم که عیسی راهی صلیب هست .

بافت کلی :

شما میبینید که بافت کلی مرقس بر مبنای مأموریت خدمتی در جلیل هست . مرقس 9-1 . داستان مأموریت عیسی ، در راستای چیزیه که در متی خوندیم. مرقس این رو به این صورت توصیف کرده .

مرقس 14:1 – 15

و بعد از گرفتاری یحیی، عیسی به جلیل آمده، به بشارت ملکوت خدا موعظه کرده، می‌گفت: "وقت تمام شد و ملکوت خدا نزدیک است. پس توبه کنید و به انجیل ایمان بیاورید"

سفر خادم به اورشلیم: مرقس 32:10 – 34 میگه:

و چون در راه به‌سوی اورشلیم می‌رفتند و عیسی در جلو ایشان می‌خرامید، در حیرت افتادند و چون از عقب او می‌رفتند، ترس بر ایشان مستولی شد. آنگاه آن دوازده را باز به کنار کشیده، شروع کرد به اطّلاع دادن به ایشان از آنچه بر وی وارد می‌شد، که "اینک به اورشلیم می‌رویم و پسر انسان به دست روسای کهَنه و کاتبان تسلیم شود و بر وی فتوای قتل دهند و او را به امت‌ها سپارند، و بر وی سخریه نموده، تازیانه‌اش زنند و آب دهان بر وی افکنده، او را خواهند کشت و روز سوم خواهد برخاست."

آخرین هفتهٔ مأموریت خادم: مرقس 11 – 15 عیسی مسیح پسر خدا برای گناهکاران مصلوب شد مرقس 16:15 – 20 میگه:

آنگاه سپاهیان او را به سرایی که دارالولایه است برده، تمام فوج را فراهم آوردند و جامه‌ای قرمز بر او پوشانیدند و تاجی از خار بافته، بر سرش گذاردند و او را سلام کردن گرفتند که "سلام ای پادشاه یهود!" و نی بر سر او زدند و آب دهان بر وی انداخته و زانو زده، بدو تعظیم می‌نمودند. و چون او را استهزا کرده بودند، لباس قرمز را از وی کنده، جامه خودش را پوشانیدند و او را بیرون بردند تا مصلوبش سازند.

پیروزی خادم: مرقس قیام عیسی مسیح را در مرقس 1:16 – 8 ثبت کرده.

پس چون سبت گذشته بود، مریم‌مجدلیه و مریم مادر یعقوب و سالومه حنوط خریده، آمدند تا او را تدهین کنند. و صبح روز یکشنبه را بسیار زود وقت طلوع آفتاب بر سر قبر آمدند. و با یکدیگر می‌گفتند: "کیست که سنگ را برای ما از سر قبر بغلطاند؟" چون نگریستند، دیدند که سنگ غلطانیده شده است زیرا بسیار بزرگ بود. و چون به قبر درآمدند، جوانی را که جامه‌ای سفید دربرداشت بر جانب راست نشسته دیدند. پس متحیر شدند. او بدیشان گفت:

"ترسان مباشید! عیسی ناصری مصلوب را می‌طلبید؟ او برخاسته است! در اینجا نیست. آن موضعی را که او را نهاده بودند، ملاحظه کنید. لیکن رفته، شاگردان او و پطرس را اطلاع دهید که پیش از شما به جلیل می‌رود. او را در آنجا خواهید دید، چنانکه به شما فرموده بود." پس بزودی بیرون شده از قبر گریختند زیرا لرزه و حیرت ایشان را فرو گرفته بود و به کسی هیچ نگفتند زیرا می‌ترسیدند.

حالا در این مرحله میخوام چیزی در مورد اناجیل هم نظیر براتون بگم این کلمه به معنی مقایسهٔ اناجیل هم هست یعنی بررسی همزمان اونها. چیزی که لازمه درک کنیم اینه که وقتی به اناجیل میرسیم میبینیم، متی مرقس لوقا خیلی مشابه هستند اونها زندگی و مأموریت مسیح رو به روشی مشابه بیان کرده اند. اما یوحنا متفاوت هست. به هر حال ابهامات حول محور دو سئوال متفاوت متمرکز هست.آیا مرقس منبع اصلی متی و لوقا هست؟ به عبارت دیگه آیا متی و لوقا از انجیل مرقس به عنوان بزرگترین منبع استفاده کرده اند؟ نشانه هایی هست که بنظر میرسه مؤید این نظریه هست. 97% مطالب مرقس در متی هم هست. 97% از حدود 660 آیه در اونجا هم هست حدود 600 آیه. اساساً اگر متی رو خونده باشید میشه گفت مرقس رو هم خوندید. هرچند دیدگاهی متفاوت داره و بر چیزهای متفاوتی تأکید کرده اما بیشتر میشه گفت مرقس بعلاوهٔ چندین آیه مساوی است با متی. بعد وقتی به لوقا نگاه میکنید 88% از مطالب مرقس در لوقا هم هست. مشخصه که یک علتی داره و ما باید اونو بفهمیم . اما این مردان در برخی زمانها به نحوی باهم ملاقات میکردند. حالا یه نظریهٔ دیگری هم هست که میگه یک منبع ناشناس هم هست که زیر بنای این کتابها بوده. میگند شاید شخص ناشناسی بنام کیو(Q) بوده که مطالبی نوشته که مورد استفادهٔ این سه نفر قرار گرفته. خوب ما واقعاً مطمئن نیستیم و واضحه که زندگی و مأموریت عیسی محدود به گفته های متی و مرقس و لوقا نبوده. بدیهیه که اون سه نفر باهم دیگه کار میکردند اما مطلب کلی که لازمه ما بدونیم اینه که هرچند اونها با هم دیدار میکردند اما از دیدگاه های مختلف نوشته اند. ما بزودی در لوقا چیز بسیار جالبی حواهیم دید. به هر حال متی مرقس و لوقا اناجیل خودشون رو جدای از هم ننوشتند. اونا به نحوی با هم ارتباط داشتند.

لوقا

اطلاعات مقدماتی برای مبتدیان

حالا به لوقا میپردازیم. میخوام به شما کمک کنم که اناجیل هم نظیر رو به وضوح درک کنید. همونطور که متوجه شدید انجیل لوقا توسط شخص لوقا نوشته شده. او یک پزشک غیر یهودی بود. یعنی او تنها نویسندهٔ غیر یهودی در کتاب مقدس هست. اما در مورد این نظریه که او پزشک بوده بذارید چیزی نشونتون بدم . حالا اگه مرقس رو مثل مبنا قرار بدیم باهم به

مـرقس 5 نگـاه کنـیم. ایـن مثـالی خواهـد بـود از اینکـه گفتـیم ایـن کتابهـا از دیـدگاههای متفـاوت نوشـته شـدند. بـه مـرقس 25:5 نگـاه کنیـد ایـن یکـی از معجـزات شـفا توسـط عیسـی هسـت.مـرقس 28 – 25:5

آنگـاه زنـی کـه مـدت دوازده سـال بـه استحاضـه مبـتلا می‌بـود، و زحمـت بسـیار از اطبّـای متعـدد دیـده و آنچـه داشـت صـرف نمـوده، فایـده‌ای نیافـت بلکـه بـدتر می‌شـد، چـون خبـر عیسـی را بشـنید، میـان آن گـروه از عقـب وی آمـده، ردای او را لمـس نمـود، زیـرا گفتـه بـود: "اگـر لبـاس وی را هـم لمس کنم، هرآینه شفا یابم."

عیسـی او رو شـفا میـده. ایـن داسـتانیه کـه مـرقس نقـل میکنـه. حـالا اینـو اینجـا داشـته باشـید و بـه لوقـا 8 بـریم و داسـتان رو از زبـان لوقـا بشـنویم. حـالا میخـوام ببینیـد آیـا تفـاوتی بـین آنچـه مـرقس گفتـه و آنچـه لوقـا گفتـه هسـت؟ لوقـا گفتـه بـه لوقـا 42:8 نگـاه کنیـد مـا تقریبـاً از وسـط داسـتان شروع میکنیم. او میگه –

و عیسـی چـون می‌رفـت، خلـق بـر او ازدحـام می‌نمودنـد. ناگـاه زنـی کـه مـدت دوازده سـال بـه استحاضـه مبـتلا بـود و هـیچ‌کس نمی‌توانسـت او را شـفا دهـد، از پشـت سـر وی آمـده، دامـن ردای او را لمـس نمـود کـه در سـاعت جریـان خـونش ایسـتاد. (توضـیح متـرجم: در ترجمـه هـای فارسـی ایـن تفـاوت بـه چشـم نمیخـوره امـا در منـابع انگلیسـی و اصـلی بـه ایـن صـورت قیـد شـده) توجـه کردیـد چیـزی رو کـه مـرقس گفتـه لوقـا ذکـر نکـرده « و زحمـت بسـیار از اطبّـای متعـدد دیـده و آنچـه داشـت صـرف نمـوده، فایـده‌ای نیافـت بلکـه بـدتر می‌شـد.» پـس لوقـا کـه شـاهد ایـن داسـتان بـوده نخواسـته کـه اینـو تعریـف کنـه و پزشـکان رو بـد جلـوه بـده. و میبینیـد کـه ایـن مطلـب در لوقـا از قلـم افتـاده. میدونیـد یکـی از جزئیـات ریـز کـه فرامـوش شـده. مـرقس فکـر کـرده کـه ایـن مهمـه و لوقـا بـه خـاطر اعتبـار خـودش فکـر کـرده کـه لازم نیسـت ایـن ذکـر بشـه. پـس میتونیـد بـه شخصـیت متفـاوت نویسـندگان اناجیـل از ایـن داسـتان هـای متفـاوت پـی ببریـد. فکـر میکـنم ایـن مطلـب جـالبی هسـت. او یـک پزشـک غیـر یهـودی، یـک مـورخ، و دوسـت پـولس بـود. و در سـال 70 یـا 80 بعـد از مـیلاد انجیـل رو نوشـته کـه بعـد از جنـگ یهودیـان بـا رومیـان و خرابـی معبـد بـوده. ایـن کتـاب خطـاب بـه شخصـی بنـام تئوفیلـوس نوشـته شـده امـا اساسـاً تنهـا خطـاب بـه او نوشـته نشـده بلکـه خطـاب بـه همـهٔ مسـیحیان غیـر یهـودی نوشـته شـده. بیشـتر محققـان اعتقـاد دارنـد کـه تئوفیلـوس یکـی از بلنـد پایگـان رومـی بـوده. و بنظـر میرسـه کـه در سراسـر کتـاب لوقـا بـر نقـش غیـر یهودیـان در مأموریـت عیسـی تأکیـد شـده. ایـن، بارهـا و بارهـا در کتـاب لوقـا بـه چشـم میخـوره چـون اگـه شـما تئـو فیلـوس بودیـد و غیـر یهـودی بودیـد و احتمـالاً نقـش رهبـری در رم داشـتید. نجـات یـافتن توسـط یـک مسـیح یهـودی صـورت چنـدان خوشـی برایتـان نداشـت. ایـن خوشـایند نبـود چـون یـک مسـیح یهـودی در بـین اطرافیـان شـما چنـدان محبـوب نبـود. و لوقـا انجـیلش رو بـا تأکیـد بـر طبیعـت غیـر یهـودی خـدمت عیسـی نوشـته. و بـه همـین سـبب هـم اعمـال رسـولان رو نوشـت و منظـور ایـن

بـود کـه ایـن دو کتـاب بـاهم خونـده بشـند. موضـوع اصـلی کتـاب اینـه کـه عیسـی پسـر کامـل انسـان هست که هم برای یهودیان و هم غیر یهودیان نجات رو فراهم کرده.

آیات کلیدی:

از آنجهـت کـه بسـیاری دسـت خـود را دراز کردنـد به‌سـوی تـالیف حکایـت آن امـوری کـه نـزد مـا بـه اتمـام رسـید، چنانچـه آنـانی کـه از ابتـدا نظارگـان و خادمـان کـلام بودنـد بـه مـا رسـانیدند، مـن نیـز مصـلحت چنـان دیـدم کـه همـه را مـن البدایـه بـه تـدقیق در پـی رفتـه، بـه ترتیـب بـه تـو بنویسـم ای تیوفلس عزیز، تا صحت آن کلامی را که در آن تعلیم یافته‌ای دریابی. لوقا 1:1 – 4

عیسـی سـه مثـل بـرای کسـانی آورده کـه گـم گشـته انـد و بعـد پیـدا شـدند. معروفتـرین ایـن مثـل هـا مثـل پسـر گمشـده در لوقـا 11:15 – 32 هسـت. فریسـیان بـه فـیض حیـرت انگیـز خـدا واکـنش درست نشان نمیدادند. به لوقا 15 نگاه کنید:

پسر گمشده

بـاز فرمـود: «مـردی بـود کـه دو پسـر داشـت. پسـر کـوچکتر بـه پـدر گفـت: پـدر، سـهم مـرا از دارایـی خـودت بـه مـن بـده. پـس پـدر دارایـی خـود را بـین آن دو تقسـیم کـرد. چنـد روز بعـد پسـر کوچـک تمـام سـهم خـود را بـه پـول نقـد تبـدیل کـرد و رهسـپار سـرزمین دوردسـتی شـد و در آنجـا دارایـی خـود را در عیاشـی بـه بـاد داد. وقتـی تمـام آن را خـرج کـرد قحطـی سـختی در آن سـرزمین رخ داد و او سـخت دچـار تنگدسـتی شـد. پـس رفـت و نـوکر یکـی از ملاکـین آن محـل شـد. آن شـخص او را بـه مزرعـه خـود فرسـتاد تـا خوکهـایش را بچرانـد. او آرزو داشـت شـکم خـود را بـا نوالـه هـایی کـه خوکهـا مـی خورنـد پـر کنـد ولـی هـیچ کـس بـه او چیـزی نمـی داد. سـرانجام بـه خـود آمـد و گفـت: بسـیاری از کـارگران پـدر مـن نـان کـافی و حتـی اضـافی دارنـد و مـن در اینجـا نزدیـک اسـت از گرسـنگی تلـف شـوم. مـن بـر مـی خیـزم و پـیش پـدر خـود مـی روم و بـه او مـی گـویم: پـدر، مـن نسـبت بـه خـدا و نسـبت بـه تـو گنـاه کـرده ام. دیگـر لایـق آن نیسـتم کـه پسـر تـو خوانـده شـوم. بـا مـن هـم مثـل یکـی از نـوکران خـود رفتـار کـن. پـس برخاسـت و رهسـپار خانـه پـدر شـد. هنـوز تـا خانـه فاصـله زیـادی داشـت کـه پـدرش او را دیـد و دلـش بـه حـال او سـوخت و بـه طـرف او دویـد، دسـت بـه گـردنش انـداخت و بـه گرمـی او را بوسـید. پسـر گفـت: پـدر، مـن نسـبت بـه خـدا و نسـبت بـه تـو گنـاه کـرده ام. دیگـر لایـق آن نیسـتم کـه پسـر تـو خوانـده شـوم. امـا پـدر بـه نـوکران خـود گفـت: زود برویـد بهتـرین ردا را بیاوریـد و بـه او بپوشـانید. انگشـتری بـه انگشـتش و کفـش بـه پاهـایش کنیـد. گوسـاله پـرواری را بیاوریـد و سـر ببریـد تـا مجلـس جشـنی بـر پـا کنـیم، چـون ایـن پسـر مـن مـرده بـود، زنـده شـده و گمشـده بـود، پیـدا شـده اسـت. بـه ایـن ترتیـب جشـن و سـرور شـروع شـد. در ایـن هنگـام پسـر بزرگتـر در مزرعـه بـود و وقتـی بازگشـت، همـین کـه بـه خانـه نزدیـک شـد صـدای رقـص و موسـیقی را شـنید. یکـی از نـوکران را صـدا کـرد و پرسـید: جریـان چیسـت؟ نـوکر بـه او گفـت:

برادرت آمده و پدرت چون او را صحیح و سالم باز یافته، گوساله پرواری را کشته است. اما پسر بزرگ قهر کرد و به هیچ وجه نمی خواست به داخل بیاید پدرش بیرون آمد و به او التماس نمود. اما او در جواب پدر گفت: تو خوب می دانی که من در این چند سال چطور مانند یک غلام به تو خدمت کرده ام و هیچ وقت از اوامر تو سرپیچی نکرده ام و تو حتی یک بزغاله هم به من ندادی تا با دوستان خود خوش بگذرانم. اما حالا که این پسرت پیدا شده، بعد از آنکه همه ثروت تو را با فاحشه ها تلف کرده است برای او گوساله پرواری می کشی. پدر گفت: پسرم، تو همیشه با من هستی و هر چه من دارم مال توست. اما ما باید جشن بگیریم و شادی کنیم، زیرا این برادر توست که مرده بود، زنده شده است و گمشده بود، پیدا شده است.»

و لوقا 10:19 آیهٔ کلیدی دیگری هست.

«زیرا پسر انسان آمده است تا گمشده را پیدا کند و نجات دهد.»

توصیه های عملی برای مطالعه.

میخوام توجه کنید که چطور بافت کلی کتاب لوقا به لحاظ جغرافیایی به اورشلیم منتهی میشه. ما معرفی پسر انسان رو در لوقا باب یک و 13:4 دیدیم بعد در لوقا 14:4 و50:9 پسر انسان رو در جلیل دیدیم و در لوقا 51:9 و 21:13 پسر انسان رو در یهودیه دیدیم و در لوقا 22:13 و27:19 پسر انسان رو در بیریه دیدیم و بالاخره درلوقا 28:19 و 53:24 پسر انسان رو در اورشلیم دیدیم.

به لحاظ جغرافیایی عیسی از جلیل به یهودیه و بعد به بیریه و بالاخره به اورشلیم رفت جایی که در اونجا مصلوب شد. این رو بخاطر داشته باشید باز هم به این خواهیم پرداخت.

توجه کنید که در انجیل بر بشارت به فقرا تأکید شده.

مردم از او پرسیدند:« پس تکلیف ما چیست؟» او پاسخ داد:« آن کسی که دو پیراهن دارد باید یکی از آنها را به کسی که ندارد بدهد و هر که خوراک دارد باید همچنین کند.» باجگیران هم برای گرفتن تعمید آمدند و از او پرسیدند:« ای استاد، ما چه باید بکنیم؟» به ایشان گفت:« بیش از آنچه مقرر شده مطالبه نکنید.» سپاهیان هم پرسیدند:« ما چه کنیم؟» به آنان گفت:« از کسی به زور پول نگیرید و تهمت ناروا نزنید و به حقوق خود قانع باشید.» لوقا 10:3 – 14

مردی از میان جمعیت به عیسی گفت: «ای استاد، به برادر من بگو ارث خانواده را با من تقسیم کند.» عیسی جواب داد: «ای مَرد، چه کسی مرا در میان شما قاضی و حَکَم قرار داده است؟» بعد به مردم فرمود: «مواظب باشید. خود را از هر نوع حرص و طمع دور بدارید،

زیرا زندگی واقعی را ثروت فراوان، تشکیل نمی دهند.» سپس برای ایشان این مَثَل را آورده گفت: «مردی زمینی داشت که محصول فراوان آورد. با خود فکر کرد که: چه کنم؟ جا ندارم که محصول خود را انبار کنم. سپس گفت: خوب، فهمیدم که چه کار کنم. انبارها را خراب می کنم و آنها را بزرگتر می سازم. غله و سایر اجناسم را جمع آوری می کنم. آن وقت به خود می گویم ای جان من، تو به فراوانی چیزهای خوب جمع کرده ای که برای سالیان درازی کفایت می کند، آسوده باش، بخور و بنوش و خوش بگذران. اما خدا به او فرمود: ای احمق، همین امشب باید جانت را تسلیم کنی، پس آنچه اندوخته ای مال چه کسی خواهد بود؟ این است عاقبت مردی که برای خود ثروت می اندوزد ولی پیش خدا دست خالی است.» لوقا 21 – 13:12

داستان ایلعاذر و مرد ثروتمند که در پائین خواهید خوند هم همین مطلب رو بیان میکنه داستان در لوقا 19:16 – 31 ثبت شده

توانگر و ایلعازر

مرد ثروتمندی بود که همیشه لباسی ارغوانی و از کتان لطیف می پوشید و با خوشگذرانی فراوان زندگی می کرد. در جلوی در خانه او گدای زخم آلودی به نام ایلعازر خوابیده بود، که آرزو می داشت با ریزه های سفره آن ثروتمند شکم خود را پر کند. حتی سگها می آمدند و زخمهای او را می لیسیدند. یک روز آن فقیر مُرد و فرشتگان او را به آغوش ابراهیم بردند. آن ثروتمند هم مرد و به خاک سپرده شد. او که در دنیای مردگان در عذاب بود، نگاهی به بالا کرد و از دور، ابراهیم را با ایلعاذر که در کنار او بود دید. فریاد زد: ای پدر من ابراهیم، به من رحم کن. ایلعاذر را بفرست تا سر انگشتش را به آب بزند و زبان مرا خنک کند چون من در این آتش عذاب می کشم. اما ابراهیم گفت: فرزندم، به خاطر بیاور که وقتی زنده بودی همه چیزهای خوب نصیب تو و همه بدیها نصیب ایلعاذر شد. حالا او در اینجا آسوده است و تو در عذاب هستی. اما کار به اینجا تمام نمی شود شکاف عمیقی میان ما و شما قرار دارد. هر که از این طرف بخواهد به شما برسد نمی تواند از آن بگذرد و کسی هم نمی تواند از آن طرف پیش ما بیاید. او جواب داد: پس ای پدر، التماس می کنم ایلعاذر را به خانه پدر من، که در آن پنج برادر دارم، بفرست تا آنان را با خبر کند، مبادا آنان هم به این محل عذاب بیایند. اما ابراهیم گفت: آنها موسی و انبیا را دارند، به سخنان ایشان گوش بدهند. آن مرد جواب داد: نه، ای پدر، اگر کسی از مردگان پیش ایشان برود، توبه خواهند کرد. ابراهیم در پاسخ فرمود: اگر به سخنان موسی و انبیا گوش ندهند، حتی اگر کسی هم پس از مرگ زنده شود، باز باور نخواهند کرد.»

لوقا تأکید میکنه که عیسی بخاطر تمامی افراد جامعه آمد، همینطور میبینید که بر محبت بر زنان و بر کودکان و بخصوص بر فقیران تأکید میکنه. در کتاب لوقا همچنین مثل ثروتمند نادان

رو میبینید, مثل ایلعاذر و مرد ثروتمند رو میبینید، مثل مباشر زیرک رو میبیندید در لوقا 16 بارها و بارها میبینیم که لوقا به محبت عیسی بر فقیران تأکید میکنه. راستش ما نمیدونیم چه چیزی سبب شده که لوقا اینهمه بر محبت عیسی به فقیران و هشدار به ثروتمندان تأکید کنه، اما فکر میکنم که اینجا برای ما که در این دوره زندگی میکنیم پیغامی هست، چون در دنیای امروزی که ما در آن زندگی میکنیم فقیران تحت ستم هستند وبه اونها به دیدهٔ تحقیر مینگرند. لازمه که ما محبت عیسی نسبت به فقیران رو ببینیم و همینطور لازمه ببینیم که به ثروتمندان سفارش کرده تا ثروتشان را برای جلال خدا استفاده کنند. اینها چیزهایی هستند که لازمه از لوقا یاد بگیریم. هرگاه که دعایی در اینجا میبینید و یا یا روح القدس به چیزی اشاره میکنه یادداشت بردارید. اینجا بیش از بقیهٔ اناجیل بارها و بارها در مورد دعا صحبت شده.

یوحنا

اطلاعات مقدماتی برای مبتدیان

بعد از انجیل های متی، مرقس و لوقا به انجیل متفاوتی میرسیم. انجیل یوحنا که توسط یوحنا نوشته شده . چیزهای متفاوت زیادی در اینجا وجود نداره . او در کتابش بارها و بارها به خودش به عنوان شاگردی اشاره کرده که عیسی او رو خیلی دوست داره . آیا این روش حیرت انگیزی برای معرفی خودش نیست ؟ من بیش از هر چیزی در دنیا دوست دارم خودم رو بعنوان کسی معرفی کنم که مسیح دوستش داره. در چه شخصی شما میتونید خودتون رو به این زیبایی معرفی کنید. مسیخ نامی هست که شما در باره اش موعظه میکنید.

کتاب یوحنا در فاصله ای بین سالهای 70 تا 90 بعد از میلاد نوشته شده. متی خطاب به یهودیان نوشته شده، مرقس خطاب به رومیان، لوقا رو میبینید که اساساً خطاب به یونانی ها نوشته شده و بالاخره کتاب یوحنا که خطاب به کل دنیا نوشته شده است. او به تمام جهان می اندیشیده. شما در کتاب یوحنا میبینید که بارها و بارها بر کلمهٔ دنیا اشاره شده. یوحنا 16:3 میگوید زیرا خدا آنقدر جهان را محبت کرد. موضوع اصلی در این کتاب اینه که عیسی(پسر خدا) ازلی و ابدی هست.

آیات کلیدی:

در ازل کلمه بود.کلمه با خدا بود و کلمه خود خدا بود، از ازل کلمه با خدا بود. همه چیز به وسیلهٔ او هستی یافت و بدون او چیزی آفریده نشد. حیات از او به وجود آمد و آن حیات نور آدمیان بود. نور در تاریکی می تابد و تاریکی هرگز بر آن چیره نشده است. مردی به نام یحیی ظاهر شد که فرستادهٔ خدا بود. او آمد تا شاهد باشد و بر آن نور شهادت دهد تا بوسیلهٔ او همه ایمان بیاورند. او خود آن نور نبود، بلکه آمد تا بر آن نور شهادت دهد آن نور واقعی

کـــه همـــهٔ آدمیـــان را نـــورانی مـــی کنـــد در حـــال آمـــدن بـــود. او در جهـــان بـــود و جهـــان بوســـیلهٔ او آفریـــده شـــد امـــا جهـــان او را نشـــناخت. او بـــه قلمـــرو خـــود آمـــد ولـــی متعلقـــانش او را قبـــول نکردنـــد امـــا بـــه همـــهٔ کســـانیکه او را قبـــول کردنـــد و بـــه او ایمـــان آوردنـــد ایـــن امتیـــاز را داد کـــه فرزنـــدان خـــدا شـــوند، کـــه نـــه ماننـــد تولـــدهای معمـــولی و نـــه در اثـــر تمـــایلات نفســـانی یـــک پـــدر جســـمانی بلکـــه از خـــدا تولـــد یافتنـــد. پـــس کلمـــه انســـان شـــد و در میـــان مـــا ســـاکن گردیـــد. مـــا شـــکوه و جلالـــش را دیـــدیم ـــ شکوه و جلالی شایستهٔ فرزند یگانهٔ پدر و پر از فیض و راستی. یوحنا 1:1 – 14

زیـــرا خـــدا جهانیـــان را آنقـــدر محبـــت نمـــود کـــه پســـر یگانـــهٔ خـــود را داد تـــا هـــر کـــه بـــه او ایمـــان بیـــاورد هلاک نگردد بلکه صاحب حیات جاودان شود. یوحنا 16:3

عیســـی معجـــزات بســـیار دیگـــری در حضـــور شـــاگردان خـــود انجـــام داد کـــه در ایـــن کتـــاب نوشـــته نشـــد. ولـــی اینقـــدر نوشـــته شـــد تـــا شـــما ایمـــان بیآوریـــد کـــه عیســـی، مســـیح و پســـر خـــدا اســـت و تـــا ایمـــان آورده بوسیلهٔ نام او صاحب حیات جاودان شوید. یوحنا 30:20 – 31

آیـــهٔ موضـــوعی یوحنـــا 30:20 – 31 هســـت کـــه میفرمایـــد: ولـــی اینقـــدر نوشـــته شـــد تـــا شـــما ایمـــان بیآوریـــد کـــه عیســـی، مســـیح و پســـر خـــدا اســـت و اساســـاً بـــرای اینکـــه مـــردم ایمـــان آورده بوســـیلهٔ نـــام او صاحب حیات جاودان شوند.

توصیه های عملی برای مطالعه:

مـــن شـــما رو تشـــویق میکـــنم کـــه کلمـــات رو مطالعـــه کنیـــد چـــون مطالعـــهٔ, کلمـــات در کتـــاب یوحنـــا برایتـــان بســـیار ســـودمند خواهـــد بـــود. کلمـــات خاصـــی هســـتند کـــه بارهـــا و بـــار هـــا بـــر اونهـــا تأکیـــد شـــده زیـــر ایـــن کلمـــات کلیـــدی خـــط بکشـــید و یـــا دورشـــان را خـــط بکشـــید، ایـــن کلمـــات پیغـــام کتـــاب یوحنـــا رو براتـــون خلاصـــه میکنـــه. پـــس وقتـــی داریـــد کتـــاب یوحنـــا رو مطالعـــه میکنیـــد هربـــار دور کلمـــات کلیـــدی خـــط بکشـــید مـــثلاً کلمـــهٔ پـــدر 137 بـــار در کتـــاب یوحنـــا تکـــرار شـــده. بعـــد میبینـــیم کـــه کلمـــهٔ ایمـــان بیاوریـــد یـــا بـــاور کنیـــد 98 بـــار تکـــرار شـــده بارهـــا و بارهـــا میبینـــیم یحیـــی تعمیـــد دهنـــد بـــر تفـــاوت کلمـــهٔ ایمـــان و بـــی ایمـــانی تأکیـــد کـــرده. بـــین یوحنـــا 7 تـــا 12 گمـــان میکـــنم بـــیش از 20 بـــار یوحنـــا تأکیـــد کـــرده کـــه چطـــور یهودیـــان بـــا بـــی ایمانیشـــان مســـیح رو رد کردنـــد. ببینیـــد مـــاهم بـــا همـــین بـــی ایمـــانی هســـت کـــه مســـیح رو رد میکنـــیم. پـــس مـــا یـــا بـــه او ایمـــان میـــاریم و بـــه او اعتمـــاد میکنـــیم،(و ایـــن فعلـــی هســـت کـــه در سراســـر کتـــاب میبینـــیم) و یـــا میگـــیم ایـــن واقعیـــت نـــداره، یکـــی از ایـــن دوحالـــت هست و غیر از این چیزی نیست. ما نمیتونیم حد وسط این دو رو بگیریم.

کلمـــات دنیـــا، فرســـتادن، محبـــت کـــردن، حیـــات، نـــور، تـــاریکی، حقیقـــت، شـــهادت، جـــلال، ابـــدی و ... تمام این کلمات در سراسر کتاب از اهمیت زیادی برخوردارند.

بـه هفـت بـار تکـرار جملـهٔ عیسـی کـه فرمـود مـن هسـتم توجـه کنیـد. «مـن هسـتم» یادتونـه کـه ایـن روشـی بـود کـه خـدا خـودش رو در عهـد قـدیم معرفـی میکنـه در خـروج 3 موسـی میپرسـه ، بگـم چه کسی مرا فرستاده؟ و خدا جواب میده بگو من هستم تو را فرستاده.

پـس وقتـی بـه عیسـی در کتـاب یوحنـا میرسـیم میبینـیم عیسـی خـودش رو بـه همـون ترتیـب معرفـی میکنه که خدا در عهد قدیم خودش رو معرفی کرده.

نان حیات:

عیسـی بـه آنهـا گفـت:« مـن نـان حیـات هسـتم، هـر کـه نـزد مـن بیایـد هرگـز گرسـنه نخواهـد شـد و هـر که بمن ایمان بیاورد هرگز تشنه نخواهد گردید. یوحنا 35:6

پـس یهودیـان شـکایت کنـان بـه او اعتـراض کردنـد زیـرا او گفتـه بـود:« مـن آن نـانی هسـتم کـه از آسمان نازل شده است.» یوحنا 41:6

من نان حیات هستم. یوحنا 48:6

مـن آن نـان زنـده هسـتم کـه از آسـمان آمـده اسـت. هـر کـه ایـن نـان را بخـورد تـا ابـد زنـده خواهـد مانـد و نـانی کـه مـن خـواهم داد بـدن خـودم میباشـد کـه آن را بـه خـاطر حیـات جهانیـان مـی دهـم.» یوحنا 51:6

نور جهان:

عیسـی بـاز بـه مـردم گفـت:« مـن نـور جهـان هسـتم، کسـی کـه از مـن پیـروی کنـد درتـاریکی سرگردان نخواهد شد بلکه نور حیات را خواهد داشت.» یوحنا 12:8

تا وقتی در جهان هستم نور جهانم.» یوحنا 5:9

در گوسفندان:

پس عیسی بار دیگر به آنها گفت:« یقین بدانید که من برای گوسفندان در هستم. یوحنا 7:10

مـن در هسـتم، هـر کـه بوسـیلهٔ مـن وارد شـود نجـات مـی یابـد و بـه داخـل و خـارج مـی رود و علوفه پیدا می کند. یوحنا 9:10

شبان نیکو:

من شبان نیکو هستم، شبان نیکو جان خود را برای گوسفندان فدا می سازد یوحنا 11:10

من شبان نیکو هستم، من گوسفندان خود را می شناسم و آنها هم مرا می شناسند. یوحنا 14:10

قیامت و حیات:

عیسی گفت:« من قیامت و حیات هستم. کسی که بمن ایمان بیاورد حتی اگر بمیرد، حیات خواهد داشت یوحنا 25:11

راه راستی و حیات:

عیسی به او گفت:« من راه و راستی و حیات هستم، هیچکس جز بوسیلهٔ من نزد پدر نمی آید. یوحنا 6:14

تاک حقیقی:

من تاک حقیقی هستم و پدر من باغبان است یوحنا 1:15

من تاک هستم و شما شاخه های آن هستید. هر که در من بماند و من در او، میوه بسیار می آورد چون شما نمی توانید جدا از من کاری انجام دهید. یوحنا 5:15

در یوحنا 58:8 او با عده ای صحبت میکنه که مخالف عیسی هستند، و میگه قبل از اینکه ابراهیم متولد بشه من هستم. بنظرتون این جملهٔ بحث انگیزی نیست؟ اگه امشب من در مقابل شما بایستم و بگم قبل از اینکه ابراهیم متولد بشه من وجود داشتم، شما میگید حرف عجیبی میزنی! سعی داری بما چی بگی؟ به هر حال مستقیماً به الوهیت خودش اشاره میکنه. و به همین دلیل بود که میخواستند بلافاصله بعد از اون او رو بکشند.

او با گفتن اینکه من نان حیات هستم، من شبان نیکو هستم، من نور جهانم، من قیامت و حیات هستم، من راه و راستی و حیات هستم، من تاک حقیقی هستم و شما شاخه هائید، بارها و بار ها قصد داشت به خدا بودن خودش در جسم اشاره کنه. یوحنا تجسم یا جسم پوشیدن عیسی رو از همون ابتدا بطور برجسته نشون میده. در ابتدا کلمه بود، کلمه خدا بود. یوحنا از هفت نشانهٔ متفاوت استفاده میکنه تا خدا بودن عیسی رو نشون بده . یوحنا عمداً تمامی این معجزات رو مطرح میکنه تا خدا بودن مسیح رو نشون بده.

تبدیل آب به شراب:

دو روز بعد، در قانای جلیل جشن عروسی بر پا بود و مادر عیسی در آنجا حضور داشت. عیسی و شاگردانش نیز به عروسی دعوت شده بودند. وقتی شراب تمام شد مادر عیسی به او گفت: « آنها دیگر شراب ندارند.» عیسی پاسخ داد:« این به من مربوط است با به تو؟ وقت من هنوز نرسیده است.» مادرش به نوکران گفت:« هر چه به شما بگوید انجام دهید.» در آنجا شش خمرهٔ سنگی وجود داشت که هر یک در حدود هشتاد لیتر گنجایش داشت و برای انجام مراسم تطهیر یهود به کار می رفت. عیسی به نوکران گفت:« خمره ها را از آب پر کنید» آنها را لبالب پر کردند. آنگاه عیسی گفت:« اکنون کمی از آنرا نزد رئیس مجلس ببرید.» و آنها چنین کردند. رئیس مجلس که نمی دانست آنرا از کجا آورده بودند، آبی را که به شراب تبدیل شده بود چشید، اما خدمتکارانی که آب را از چاه کشیده بودند از جریان اطلاع داشتند. پس رئیس مجلس داماد را صدا کرد و به او گفت:« همه، بهترین شراب را اول به مهمانان میدهند و وقتی سرشان گرم شد آن وقت شراب پست تر را می آورند اما تو بهترین شراب را تا این ساعت نگاه داشته ای!» این معجزه، که در قانای جلیل انجام شد، اولین معجزهٔ عیسی بود و او بوسیلهٔ آن جلال خود را ظاهر کرد و شاگردانش به او ایمان آوردند. یوحنا 1:2 – 11

شفای پسر درباری:

عیسی بار دیگر به قانای جلیل جائیکه آب را به شراب تبدیل کرده بود، رفت. یکی از ماموران دولت در آنجا بود که پسرش در کفرناحوم بیمار و بستری بود. وقتی شنید که عیسی از یهودیه به جلیل آمده است نزد او آمد و خواهش کرد به کفر ناحوم برود و پسرش را که در آستانهٔ مرگ بود شفا بخشد. عیسی به او گفت:« شما بدون دیدن آیات و معجزات به هیچ وجه ایمان نخواهید آورد.» آن شخص گفت:« ای آقا، پیش از آن که بچهٔ من بمیرد بیا.» آنگاه عیسی گفت:« برو، پسرت زنده خواهد ماند.» آن مرد با ایمان به سخن عیسی بطرف منزل رفت. او هنوز به خانه نرسیده بود که نوکرانش در بین راه او را دیدند و به او مژده دادند:« پسرت زنده و تندرست است.» او پرسید:« در چه ساعتی حالش خوب شد؟» گفتند:« دیروز در ساعت یک بعد از ظهر تب او قطع شد.» پدر فهمید که این درست همان ساعتی است که عیسی به او گفته بود:« پسرت زنده خواهد ماند.» پس او و تمام اهل خانه اش ایمان آوردند. این دومین معجزه ای بود که عیسی پس از آنکه از یهودیه به جلیل آمد انجام داد. یوحنا 46:4 – 54

شفای مفلوج:

بعد از آن عیسی برای یکی از عیدهای یهود به اورشلیم رفت. در اورشلیم نزدیک دروازه ای معروف به دروازهٔ گوسفند استخری با پنج رواق وجود دارد که به زبان عبری آنرا بیت حسدا می گویند. در آنجا عدهٔ زیادی از بیماران، نابینایان لنگان و مفلوجان دراز کشیده [و منتظر

حرکت آب بودند زیرا هر چند وقت یکبار فرشتهٔ خداوند به استخر داخل می شد و آب را به حرکت در می آورد و اولین بیماری که بعد از حرکت آب به استخر داخل می گردید از هر مرضی که داشت شفا می یافت.] در میان آنها مردی دیده می شد که سی و هشت سال به مرضی مبتلا بود. وقتی عیسی او را در آنجا خوابیده دید و دانست که مدت درازی است که بیمار میباشد، از او پرسید:« آیا می خواهی خوب و سالم شوی؟» آن مریض پاسخ داد:« ای آقا، وقتی آب به حرکت می آید کسی نیست که به من کمک کند و مرا در استخر بیاندازد. تا من از جایم حرکت می کنم شخص دیگری پیش از من به داخل می رود.» عیسی به او گفت:« بلند شو، بسترت را بردار و برو.» آن مرد فوراً شفا یافت و بستر خود را برداشت و براه افتاد.آن روز، روز سبت بود. یوحنا 1:5 – 9

خوراک دادن به پنج هزار نفر:

بعد از این عیسی به طرف دیگر دریای جلیل که دریای طبریه است رفت و عدهٔ زیادی، که معجزات او را در شفا دادن بیماران دیده بودند، به دنبال او رفتند. آنگاه عیسی به بالای کوهی رفت و با شاگردان خود در آنجا نشست. ایام عید فصح یهودیان نزدیک بود. وقتی عیسی به اطراف نگاه کرد و عدهٔ زیادی را دید که به طرف او می آیند، از فیلیپس پرسید:« از کجا باید نان بخریم تا اینها بخورند؟» عیسی این را از روی امتحان به او گفت زیرا خود او می دانست چه باید بکند. فیلیپس پاسخ داد:« سه هزار ریال نان هم کافی نیست که هر یک از آنها کمی بخورد». یکی از شاگردانش به نام اندریاس که برادر شمعون پطرس بود به او گفت: « پسر بچه ای در اینجا هست که پنج نان جو و دو ماهی دارد ولی آن برای این عده چه می شود؟» عیسی گفت:« مردم را بنشانید.» در آنجا سبزه بسیار بود، پس مردم که در حدود پنج هزار مرد بودند نشستند. آنگاه عیسی نانها را برداشته خدا را شکر کرد و در میان مردم که بر روی زمین نشسته بودند تقسیم نمود. ماهیها را نیز همین طور هر قدر خواستند تقسیم کرد. وقتی همه سیر شدند، به شاگردان گفت:« خرده های نان را جمع کنید تا چیزی تلف نشود.» پس شاگردان آنها را جمع کردند و دوازده سبد از خرده های باقی ماندهٔ آن پنج نان جو پر نمودند. وقتی مردم این معجزهٔ عیسی را دیدند گفتند:« در حقیقت این همان پیامبر موعود است که می بایست به جهان بیاید.» یوحنا 1:6 – 14

راه رفتن بر روی آب:

در وقت غروب شاگردان به طرف دریا رفتند و سوار قایق شده به آنطرف دریا به سوی کفر ناحوم حرکت کردند. هوا تاریک شده بود و عیسی هنوز پیش ایشان برنگشته بود. باد شدیدی شروع به وزیدن کرد و دریا طوفانی شد. وقتی در حدود یک فرسنگ جلو رفتند عیسی را دیدند که بر روی آب قدم میزند و به طرف قایق می آید. آنها ترسیدند. اما عیسی به آنها

گفت:« من هستم، نترسید.» می خواستند او را بداخل قایق بیاورند، ولی قایق بزودی به مقصد رسید.

یوحنا 16:6 – 21

شفای کور مادر زاد:

وقتی از محلی می گذشت، کور مادر زادی را دید. شاگردانش از او پرسیدند:« ای استاد، به علت گناه کی بود که این مرد، نابینا بدنیا آمد؟ خود او گناهکار بود یا والدینش؟» عیسی جواب داد:« نه از گناه خودش بود و نه از والدینش بلکه تا در وجود او کارهای خدا آشکار گردد. تا وقتی روز است باید کارهای فرستندهٔ خود را بانجام برسانیم. وقتی شب می آید کسی نمی تواند کارکند. تا وقتی در جهان هستم نور جهانم.» وقتی این را گفت آب دهان به زمین انداخت و با آن گل ساخت و گل را به چشمان کور مالید و به او گفت:« برو و در حوض سیلوحا (یعنی فرستاده) چشمهای خود را بشوی.» پس رفت و شست و با چشمان باز برگشت

یوحنا 1:9 – 7

زنده کردن ایلعاذر:

پس عیسی در حالیکه از دل آه می کشید به سر قبر آمد. قبر غاری بود که سنگی جلوی آن گذاشته بودند. عیسی گفت:« سنگ را بردارید.» مرتا خواهر ایلعازر گفت:« خداوندا، الان چهار روز از مرگ او می گذرد و متعفن شده است.» عیسی به او گفت:« آیا بتو نگفتم که اگر ایمان داشته باشی جلال خدا را خواهی دید؟» پس سنگ را از جلوی قبر برداشتند. آنگاه عیسی به آسمان نگاه کرد و گفت:« ای پدر، تو را شکر می کنم که سخن مرا شنیده ای . من می دانستم که تو همیشه سخن مرا میشنوی ولی به خاطر کسانی که اینجا ایستاده اند این را گفتم تا آنها ایمان بیاورند که تو مرا فرستاده ای.» پس از این سخنان، عیسی با صدای بلند فریاد زد:« ای ایلعازر ، بیرون بیا» آن مرده، در حالیکه دستها و پاهایش با کفن بسته شده و صورتش با دستمالی پوشیده بود، بیرون آمد. عیسی به آنها گفت:« او را باز کنید و بگذارید برود.» بسیاری از یهودیانی که برای دیدن مریم آمده بودند، وقتی آنچه را عیسی انجام داد مشاهده کردند، به او ایمان آوردند. یوحنا 38:11 – 45

ازتون میخوام به تأکید یوحنا بر انسان بودن مسیح از نزدیک توجه کنید ما در یوحنا6:4 میبینیم که عیسی خسته هست در یوحنا 7:4 میبینیم که بر سر چاه تشنه هست و از زنی آب میخواد. در یوحنا 35:11 میبینیم که گریه میکنه. کلام میفرماید عیسی گریست و این آیه یکی از آیات بیاد ماندنی در کتاب یوحنا هست. کتاب یوحنا رو در اینجا به پایان میبریم و به کتاب اعمال رسولان میرسیم.

کتاب اعمال رسولان:

اطلاعات مقدماتی برای مبتدیان:

تـــا اینجـــا اناجیـــل رو بررســـی کـــردیم و حـــالا تصـــویر دیگـــری از وقـــایع تـــاریخی رو میبینـــیم کـــه بمـــا جنبـــهٔ دیگـــری از داســـتان مســـیح رو میـــده کـــه دورهٔ گـــذر از زنـــدگی مســـیح بـــه حیـــات کلیســـا هســـت. ایـــن کتـــاب هـــم توســـط لوقـــا نوشـــته شـــده و بـــه نـــوعی میشـــه گفـــت کـــه قســـمت دوم انجیـــل لوقـــا هســـت. میتونید به اعمال 10:16 نگاه توجه کنید.

بـــه محـــض اینکـــه پـــولس ایـــن رؤیـــا را دیـــد مـــا عـــازم مقدونیـــه شـــدیم . زیـــرا شـــکی نداشـــتیم کـــه خـــدا مـــا را خوانده بود که به ایشان نیز بشارت دهیم.

او اینجـــا از ضـــمیر مـــا اســـتفاده میکنـــه و خـــودش رو وارد داســـتان میکنـــه تـــا مـــا مطمـــئن بشـــیم کـــه او ایـــن کتـــاب رو نوشـــته. او انجیـــل لوقـــا رو بـــا ایـــن تعریـــف شـــروع میکنـــه کـــه عیســـی شـــروع بـــه انجـــام چه کاری کرده. به اعمال 1:1 نگاه کنید این متن عظیمی هست. میتونید دور این خط بکشید.

تیوفلس عزیزم ، من در اولین نامهٔ خود درباره تمام اعمال و تعالیم عیسی از ابتدا تا روزیکه بوسیلهٔ روح القدس دستورات لازم را به رسولان برگزیدهٔ خود داد و به آسمان برده شد به تو نوشتم .
پس این چیزی بود که عیسی شروع کرد و واضحه که مطلب بعدی که میخواد در باره اش صحبت کنه مربوط به ادامهٔ کار عیسی هست. تنها مشکل در اینجاست که از آیهٔ 11 به بعد عیسی زمین رو ترک میکنه. او به آسمان صعود میکنه. زیبایی کتاب لوقا به اینه که عیسی هنوز در صحنه هست. و در کتاب اعمال توسط روح خودش هر کاری رو در کلیسا انجام میده. عیسی در سراسر این کتاب فعال هست، این کاریه که او در ادامهٔ کارهایش بر مبنای انجیل لوقا انجام میده، او کارهایش را در کتاب لوقا آغاز کرد و در کتاب اعمال ادامه داد. موضوع اصلی کتاب انتشار انجیل در سراسر جهان توسط کلیسا و با قدرت روح القدس هست. نکتهٔ مهم در اینجا نه تنها عبارت در سراسر جهان و در بین همهٔ اقوام بلکه عبارت توسط کلیسا هم هست.چیزی که ما در هفت باب نخست این کتاب میبینیم، پذیرفته نشدن مسیح توسط یهودیان هست که با سنگسار شدن استفان بخاطر اعلام علنی عیسی در کنیسه به اوج خودش میرسه. و با چنین تصویری خاتمه پیدا میکنه،و حالا کلام در یهودیه و سامره و بالاخره تا اقصی نقاط دنیا انتشار پیدا میکنه. آیهٔ کلیدی اعمال 8:1 هست که اساساً طرح کلی تمام کتاب هست.
«اما وقتی روح القدس بر شما نازل شود قدرت خواهید یافت و در اورشلیم و تمام یهودیه و سامره و تا دورافتاده ترین نقاط عالم شاهدان من خواهید بود.»
همینطور باب 2 آیات 42 تا 47 متن مهمی برای کلیسا هست.

آنـــان همیشـــه وقـــت خـــود را بـــا شـــنیدن تعـــالیم رســـولان و مشـــارکت برادرانـــه و پـــاره کـــردن نـــان و دعـــا مـــی گذرانیدنـــد.در اثـــر آیـــات و معجـــزات بســـیاری کـــه توســـط رســـولان بـــه عمـــل میامـــد خـــوف الهـــی بـــر همـــه مســـتولی شـــده بـــود. تمـــام ایمانـــداران بـــا هـــم متحـــد و در همـــه چیـــز شـــریک بودنـــد. مـــال و دارائـــی خـــود را مـــی فروختنـــد و بـــه نســـبت احتیـــاج هـــر کـــس بـــین خـــود تقســـیم مـــی کردنـــد. آنـــان هـــر روز در معبـــد بـــزرگ دور هـــم جمـــع مـــی شـــدند و در خانـــه هـــای خـــود نـــان را پـــاره مـــی کردنـــد و بـــا دلخوشـــی و

صمیمیت با هم غذا می خوردند. خدا را حمد می کردند و مورد احترام همهٔ مردم بودند و خداوند هر روز کسانیرا که نجات می یافتند ، به جمع ایشان میافزود.

توصیه های عملی برای مطالعه:

ببینید که چطور بافت کلی کتاب ما رو به لحاظ جغرافیایی از اورشلیم خارج میکنه. حالا یادتونه که کتاب لوقا ما رو به سوی اورشلیم هدایت کرد. و حالا کتاب اعمال ما را به بیرون از اورشلیم هدایت میکنه . همهٔ این وقایع در اورشلیم به وقوع پیوستند، مرگ عیسی، قیام او و نزول روح القدس و حالا کلام خدا از اورشایم خارج میشه. پس شما اساساً این سه رویداد رو در فاصلهٔ کتاب لوقا و کتاب اعمال میبینید. حالا به بافت کتاب نگاه کنید: شهادت کلیسا در اورشلیم در باب های 1 تا 7 – شهادت کلیسا در یهودیه و سامره در باب های 8 تا 9 – و شهادت کلیسا در اقصی نقاط جهان در باب های 10 تا 28 .

در یهودیه و سامره و اقصی نقاط جهان ما در آخرین بخش کتاب میبینیم که انجیل وارد آسیا، اروپا و رم میشه. کلام در هر جایی منتشر میشه.

بازهم هر کجا میبینید به دعا و روح القدس اشاره شده توجه کنید و بخاطر بسپارید. به تکرار دوچیز مهم توجه کنید. اولاً بارها و بارها و بارها بر نجات تأکید شده. نجاتی که عیسی توسط روح القدس عرضه میکنه.

و چنان خواهد شد که هر که نام خداوند را بخواند نجات خواهد یافت .» اعمال 21:2

خدا را حمد می کردند و مورد احترام همهٔ مردم بودند و خداوند هر روز کسانیرا که نجات می یافتند ، به جمع ایشان میافزود. اعمال 47:2

در هیچکس دیگر ، رستگاری نیست و در زیر آسمان هیچ نامی جز نام عیسی به مردم عطا نشده است تا بوسیلهٔ آن نجات یابیم . اعمال 12:4

وبه عنوان سرور و نجات دهنده با سرافرازی در سمت راست خود نشانید تا فرصت توبه و آمرزش گناهان را به بنی اسرائیل عطا فرماید. اعمال31"5

از نسل همین مرد، خدا بر طبق وعدهٔ خود عیسی را به عنوان نجات دهنده ای برای اسرائیل برانگیخت. اعمال 23:13

ای برادران که فرزند ابراهیم هستید و نیز شما ای کسانیکه در این جمع حضور دارید و از خدا می ترسید پیام این نجات به ما رسیده است ، اعمال 26:13

زیرا خداوند چنین فرموده است : « من ترا برگزیدم که نور ملت ها و وسیلهٔ رستگاری همهٔ جهان باشی اعمال 47:13

پاسخ دادند: « به عیسی خداوند ایمان آور که تو با اهل خانه ات نجات خواهی یافت .» اعمال 31:16

پس بدانید که این نجات الهی در اختیار غیر یهودیان گذاشته شده است و آنها آنرا خواهند پذیرفت اعمال 28:28

حالا به گزارش پیشرفت انجیل توجه کنید. بارها و بارها میبینید لوقاصراحتاً گفته که انجیل به اورشلیم رفته بود، انجیل به یهودیه و سامره رفته بود، به سوریه رفته بود، به آسیای صغیر اروپا و رم رفته بود. به جاهای مختلفی رفته بود و او هر بار مکث میکنه و میگه انجیل آنجا بود و به حرکت ادامه میداد.

انجیل در اورشلیم:

پیام خدا پیوسته در حال انتشار بود و در اورشلیم تعداد پیروان بسیار افزایش یافت و بسیاری از کاهنان نیز ایمان به مسیح را پذیرفتند. اعمال 7:6

انجیل در یهودیه و سامره:

به این ترتیب کلیسا در سراسر یهودیه و جلیل و سامره آرامش یافت.در حالیکه آنان در خدا ترسی و تقویت روح القدس بسر میبردند ، کلیسا از لحاظ نیرو و تعداد رشد می کرد. اعمال31:9

انجیل در سوریه:

پیام خدا هر روز با تأثیر بیشتری انتشار مییافت . اعمال 24:12

انجیل در آسیای صغیر:

و تمامی شهر به شورش آمده، همه متفقا به تماشاخانه تاختند و غایوس و ارسترخس را که از اهل مکادونیه و همراهان پولس بودند با خود می‌کشیدند. اعمال 29:19

انجیل در رم:

و به ملکوت خدا موعظه می‌نمود و با کمال دلیری در امور عیسی مسیح خداوند بدون ممانعت تعلیم می‌داد. اعمال 31:28

همینطور ملاحظه کنید که در خطابه های مختلف در اعمال چطور انجیل با حفظ اصالت خودش به طرق مختلف ترتیبی میده که انجیل قابل درک برای اقوام مختلف باشه. به نخستین خادم مسیحی، پطرس نگاه کنید که چطور شنوندگانش رو مورد خطاب قرار میده. بعد توجه کنید که او در باب های 3 و 4 چطور وقتی این یهودیان جفا ها رو تجربه میکنند اونها رو مخاطب قرار میده.

و چون آن لنگ شفا یافته به پطرس و یوحنا متمسک بود، تمامی قوم در رواقی که به سلیمانی مسمی است، حیرت‌زده بشتاب گرد ایشان جمع شدند. آنگاه پطرس ملتفت شده، بدان جماعت خطاب کرد که "ای مردان اسرائیلی، چرا از این کار تعجب دارید و چرا بر ما چشم دوخته‌اید که گویا به قوت و تقوای خود این شخص را خرامان ساختیم؟ خدای ابراهیم و اسحاق و یعقوب، خدای اجداد ما، بنده خود عیسی را جلال داد که شما تسلیم نموده، او را در حضور پیلاطس انکار کردید، هنگامی که او حکم به رهانیدنش داد. اما شما آن قدوس و عادل را منکر شده، خواستید که مردی خونریز به شما بخشیده شود. و رئیس حیات را

کشتید که خدا او را از مردگان برخیزانید و ما شاهد بر او هستیم. و به‌سبب ایمان به اسم او، اسم او این شخص را که می‌بینید و می‌شناسید قوت بخشیده است. بلی آن ایمانی که به وسیله اوست، این کس را پیش روی همه شما این صحت کامل داده است. "و الحال ای برادران، می‌دانم که شما و همچنین حکام شما این را به‌سبب ناشناسایی‌کردید. و لیکن خدا آن اخباری را که به زبان جمیع انبیای خود، پیش گفته بود که مسیح باید زحمت بیند، همینطور به انجام رسانید. پس توبه و بازگشت کنید تا گناهان شما محو گردد و تا اوقات استراحت از حضور خداوند برسد. و عیسی مسیح را که از اول برای شما اعلام شده بود بفرستد، که می‌باید آسمان او را پذیرد تا زمان معاد همه چیز که خدا از بدو عالم به زبان جمیع انبیای مقدس خود، از آن اخبار نمود. زیرا موسی به اجداد گفت که خداوند خدای شما نبی مثل من، از میان برادران شما برای شما برخواهد انگیخت. کلام او را در هر چه به شما تکلم کند بشنوید؛ و هر نَفسی که آن نبی را نشنود، از قوم منقطع گردد. و جمیع انبیا نیز از سموئیل و آنانی که بعد از او تکلم کردند، از این ایام اخبار نمودند. شما هستید اولاد پیغمبران و آن عهدی که خدا با اجداد ما بست، وقتی که به ابراهیم گفت از ذریت تو جمیع قبایل زمین برکت خواهند یافت، برای شما اولا خدا بنده خود عیسی را برخیزانیده، فرستاد تا شما را برکت دهد به برگردانیدن هر یکی از شما از گناهانش." اعمال 11:3 – 26

و بعد وقتی به استفان میرسید ملاحظه کنید که او شنوندگانش رو چطور مخاطب قرار میده و در بارهٔ انجیل چی میگه و بعد پولس آتنی ها رو در باب 17 مخاطب قرار میده:

پس پولس در وسط کوه مریخ ایستاده، گفت: "ای مردان آتینا، شما را از هر جهت بسیار دیندار یافته‌ام، زیرا چون سیر کرده، معابد شما را نظاره می‌نمودم، مذبحی یافتم که بر آن، نام خدای ناشناخته نوشته بود. پس آنچه را شما ناشناخته می‌پرستید، من به شما اعلام می‌نمایم. خدایی که جهان و آنچه در آن است آفرید، چونکه او مالک آسمان و زمین است، در هیکلهای ساخته شده به دستها ساکن نمی‌باشد و از دست مردم خدمت کرده نمی‌شود که گویا محتاج چیزی باشد، بلکه خود به همگان حیات و نَفس و جمیع چیزها می‌بخشد. و هر امت انسان را از یک خون ساخت تا بر تمامی روی زمین مسکن گیرند و زمانهای معین و حدود مسکنهای ایشان را مقرر فرمود تا خدا را طلب کنند که شاید او را تفحص کرده، بیابند، با آنکه از هیچ یکی از ما دور نیست. زیرا که در او زندگی و حرکت و وجود داریم چنانکه بعضی از شعرای شما نیز گفته‌اند که از نسل او می‌باشیم. پس چون از نسل خدا می‌باشیم، نشاید گمان برد که الوهیت شباهت دارد به طلا یا نقره یا سنگ منقوش به صنعت یا مهارت انسان. پس خدا از زمانهای جهالت چشم پوشیده، الاَن تمام خلق را در هر جا حکم می‌فرماید که توبه کنند. زیراروزی را مقرر فرمود که در آن ربع مسکون را به انصاف داوری خواهد نمود به آن مردی که معین فرمود و همه را دلیل داد به اینکه او را از مردگان برخیزانید." چون ذکر قیامت مردگان شنیدند، بعضی استهزا نمودند و بعضی گفتند: "مرتبه دیگر در این امر از تو خواهیم شنید." و همچنین پولس از میان ایشان بیرون رفت.

لـیکن چنـد نفـر بـدو پیوسـته، ایمـان آوردنـد کـه از جملـه ایشـان دیونیسـیوس آریوپـاغی بـود و زنی که دامرس نام داشت و بعضی دیگر با ایشان. اعمال 22:17 – 34

همهٔ ایـن مـردان یـک انجیـل رو موعظـه میکننـد، امـا روش صـحبتهای اونهـا متفـاوت هسـت. ایـن تصـویر زیبـائی از مأموریـت کـه بفهمنـد متوجـه شـوند کـه مـا همـون انجیـل رو داریـم کـه ایمانـداران در کشـورهای مختلـف در سراسـر دنیـا دارنـد. امـا روشـی کـه مـا انجیـل رو بـا مـردم در میـون میـذاریم و از انجیـل صـحبت میکنـیم روشـی متفـاوت از دیگـر کشـور هـا هسـت. مـردم در سراسر دنیا وقتی در مورد انجیل گفتگو میکنند به روش متفاوتی صحبت میکنند.

پس ما این رو در کتابهای لوقا به روش متفاوتی میبینیم.

داسـتان عهـد جدیـد اینهـا بودنـد: متـی، مـرقس، لوقـا، یوحنـا و اعمـال رسـولان. ایـن کتابهـا شصـت درصد عهد جدید رو در بر میگیرند.

رسالات عهد جدید. . .

حـالا مـا رسـالات رو داریـم کـه بمـا کمـک میکننـد داسـتان عهـد جدیـد رو بهتـر درک کنـیم. رسـالات عهد جدید یا نامه ها.

22 کتـاب از 27 کتابهـای عهـد جدیـد رسـالات هسـتند کـه تقریبـاً حـدود 40% عهـد جدیـد را شـامل میشـوند. چـرا رسـالات نوشـته شـدند؟ چـرا رسـالات اینهمـه مهـم هسـتند؟ چـرا عهـد جدیـد پـر از رسـالات هسـت؟ خـوب مـن فکـر میکـنم دو دلیـل اساسـی داره. شـمارهٔ یـک: کلیسـا در حـال گسـترش هسـت و داره رشـد میکنـه. کلیسـا در کتـاب اعمـال بـه سـرعت در حـال گسـترش هسـت. و اونهـا بـه روشـی بـرای ارتبـاط نیـاز دارنـد کـه بتواننـد ایمانـداران جدیـد رو تعلـیم بدنـد. اونهـا نیـاز دارنـد کـه اطلاعـاتی در مـورد مسـیح داشـته باشـند تـا کلیسـا هـارو توسـعه بدنـد. کلیسـا هـا در حـال تکثیـر هسـتند. پـس اونهـا بـه کـلام نیـاز دارنـد. خانمهـا و آقایـان لطفـاً پیـام رو همینجـا ملاحظـه کنیـد. لازمـه کـه مـا کـلام خـدا رو مطالعـه کنـیم چـون میخـواهیم بخشـی از کلیسـای در حـال رشـد باشـیم. مـا میخـواهیم بخشـی از کلیسـایی باشـیم کـه انجیـل توسـط مـا بـه دیگـران انتقـال پیـدا کنـه. کلیسـا قصـد نـداره کـه پیـام انجیـل در کلیسـا بـاقی بمونـه قصـد ایـن هسـت کـه پیـام انجیـل گسـترش پیـدا کنـه. بـه ایـن دلیـل هسـت کـه ایـن رسـاله هـا بـه اقـوام مختلـف نوشـته شـده. کلیسـا هـا بـا هـم مـرتبط هسـتندو یـک صـمیمیتی بـین کلیسـا هـا وجـود داره. بـه ایـن دلیلـه کـه پـولس و بخـش عمـده ای از کـلام در قرنتیـان در مـورد رسـالات زنـده صـحبت میکنـه و میگـه : زنـدگی هـای مـا زنـده هسـتند. بدونیـد کـه زنـدگی هـای مـا بایـد رسـالات زنـده باشـند درسـت مثـل رسـالات عهـد جدیـد.زنـدگی هـای مـا تصـویری از شخصـیت مسـیح هسـت. کلیسـا ارتبـاط و رابطـه هسـت. در عهـد جدیـد دو دسـته رسـالات داریـم. اول رسـالات پـولس کـه از رومیـان تـا فلیمـون هسـت. و بعـد رسـالات عمـومی کـه از عبرانیـان تـا یهـودا هسـت. میتونیـد عبرانیـان رو در هـر دو گـروه قـرار بدید.

زندگی و رسالات پولس...

ما از پولس شروع میکنیم. پولس 13 رساله در عهد جدید نوشته. حالا اگه فکر کنید عبرانیان رو پولس نوشته، اون شامل سیزده رساله نمیشه. رسالات پولس به ترتیب از بلند ترین به کوتاه ترین مرتب شده. 9 رساله خطاب به کلیسا ها نوشته شده. و چهار تا خطاب به افراد نوشته شده. حالا قبل از اینکه شروع به مطالعهٔ نامه های او بکنیم. ازتون میخوام به زندگی او فکر کنید. اسم اصلی پولس، سولس طرسوسی بود. او گذشتهٔ متمایزی داشت. به گذشتهٔ او فکر کنید. پولس کی هست. بعد از سه جنبه به این شخص فکر کنید. اولاً او از زمینهٔ قوم یهود هست. فیلیپیان 3 این رو کاملاً تصریح کرده. قبل از اینکه او با مسیح مواجه بشه، در مورد او این مطالب رو میخونیم:

هرچند مرا در جسم نیز اعتماد است. اگر کسی دیگر گمان برد که در جسم اعتماد دارد، من بیشتر. روز هشتم مختون شده و از قبیله اسرائیل، از سبط بنیامین، عبرانی از عبرانیان، از جهت شریعت فریسی، از جهت غیرت جفا کننده برکلیسا، از جهت عدالت شریعتی، بی عیب.

فیلیپیان 4:3 – 6

این زندگینامهٔ او هست. زندگینامهٔ عبرانی او عبرانیی از عبرانیان هست. بعد او تحصیلات یونانی داره، خوب تحصیل کرده و شهروند روم هست. با درنظر گرفتن همهٔ این شرایط میبینید که سولس یا شائول طرسوسی چه مرد قدرتمندی در اون دوره بوده و نکتهٔ زیبا اینجاست که میبینیم چطور خدا دشمن کلیسا رو میگیره و او رو تبدیل میکنه به بزرگترین سخنگوی کلیسا در عهد جدید. میبینیم کسی که خانه به خانه به دنبال اعضاء کلیسا میرفت و به اونها آزار میداد، کسی که هنگام سنگسار شدن استیفان حضور داشته و تماشا میکرده، تبدیل میشه به کسی که حدود یک سوم عهد جدید رو نوشته. او بعد از لوقا دومین نفر هست. آشکاره که او کتابهای بیشتری نوشته اما به لحاظ حجم نوشته ها بعد از لوقا قرار گرفته. تمامی بخش آخر کتاب اعمال مربوط به پولس هست. فیض خدا ما رو از جایی که هستیم برمیگیره و به جایی میبره که حتی نمیتونستیم تصورش رو هم بکنیم. پولس هرگز نمیتونست چنین چیزی رو تصور کنه. و خدا رو شکر میکنیم بخاطر فیضش که ما رو از جایی که هستیم بلند میکنه و به جاهایی میبره که حتی در گذشته نمیتونستیم تصورش رو بکنیم. همهٔ اینها سرگذشت مردیه بنام پولس. خدا گذشتهٔ ما رو حتی قسمتهایی که شریر از اونها قصد بدی داشته میگیره و تبدیل به نیکویی میکنه. آیا این حقیقت بزرگی نیست؟ خوب او در حدود سالهای 31 تا 33 بعد از میلاد با مسیح مواجه شد. حدود سال 31 تا 33 زمانی بود که او به مسیح ایمان آورد. حالا میخوام به خدمات پولس فکر کنیم. او پانزده سال بعد از ایمانش شروع به خدمت نکرد . ما تقریباً این رو میدونیم که او بلافاصله بعد از اینکه به مسیح ایمان آورد شروع به موعظهٔ انجیل کرد او هرجا که میرفت کلام خدا را با مردم در میون میگذاشت و شروع کرد به پیوستن به جمع ایمانداران و در ابتدا ایمانداران عصبی بودند. بیائید کمی منصف باشیم و کلیساهای اولیه رو در این مورد به این خاطر

ملامت نکنیم. اگه شما هم بودید عصبی میشدید. تصور بکنید، او مردیه که هفتهٔ گذشته در خانهٔ شما بوده و سعی میکرده شما رو دستگیر کنه، و حالا اعلام میکنه که پیرو عیسی مسیح هست. خوب حدود پانزده سال گذشته و حالا پولس اعتبار باورنکردنی ای کسب کرده. طی اون سالها او در ایمانش رشد کرده عهد قدیم رو خونده و ارتباط اون رو با مسیح میدونه. ما اطلاعات زیادی در مورد اون پانزده سال نداریم. اما میتونید فقط تصور کنید که چه سفری برای این مرد در این پانزده سال باید بوده باشه که همهٔ سوابق عبرانی او به زیبایی عیسی مسیح ختم شد عجب بازتاب حیرت انگیزی از فیض خدا. بعد پانزده سال گذشته و او به اولین سفر خدمتی خودش میره. اگه کتاب راهنمای مطالعهٔ کتاب مقدس داشته باشید در صفحات 13 و14 نقشه هایی خواهید دید که نقشهٔ سفر های مختلف رو دید. میخوام خیلی گذرا این سفر های خدمتی پولس رو از نظر بگذرونیم و به سرعت رد بشیم. پانزده سال از مسیحی شدنش گذشته بود و حالا در شهر انطاکیه بود. انطاکیه در سمت چپ نقشه هست.انطاکیه تا مدتها مرکز کارهای خدماتی پولس بود. کلیسای انطاکیه از پولس پشتیبانی میکرد او رو تشویق میکرد و ایمان او رو تقویت میکرد. و او نیز متقابلاً ایمان اونها رو تقویت میکرد. اعمال باب 11 کلیسای شهر انطاکیه را برای ما شرح میده. وقتی به اعمال رسولان 1:13 – 4 میرسید میبینید که کلیسای انطاکیه بر سولس و برنابا دست میذاره و اونها رو به مأموریت اعزام میکنه. و اونها اولین سفر خدمتی خودشون رو آغاز میکنند.

و در کلیسایی که در آنطاکیه بود، انبیا و معلم چند بودند: برنابا و شمعون ملقب به نیجر و لوکیوس قیروانی و مناحم برادر رضاعی هیرودیس تیترارخ و سولس. چون ایشان در عبادت خدا و روزه مشغول می‌بودند، روح‌القدس گفت: "برنابا و سولس را برای من جدا سازید از بهر آن عمل که ایشان را برای آن خوانده‌ام." آنگاه روزه گرفته و دعا کرده و دستها بر ایشان گذارده، روانه نمودند. پس ایشان از جانب روح‌القدس فرستاده شده، به سلوکیه رفتند و از آنجا از راه دریا به قپرس آمدند. اعمال 1:13 – 4

این سفر حدوداً 1400 مایل بود. اولین جائی که اونها رفتند قبرس بود که در واقع شهر زادگاه برنابا بود. پس اونها به قبرس رفتند، جایی که براشون غریبه نبود و با شهر آشنایی داشتند و همه جا رو می شناختند. اونها از قبرس شروع کردند و به سمت شمال به مناطقی رفتند که کاملا با اونها آشنا بودند. اونها در جاده های بازرگانی تردد میکردند. اونها بیشتر به شهر های اصلی و بزرگ میرفتند. اونها زیاد به دهکده ها نمیرفتند. و اکثراً به شهرهای بزرگ میرفتند. البته من نمیگم که این یک قاعده هست که ما نباید به دهکده ها و مناطق روستائی برویم. اما معتقدم که ما عمیقاً نیاز داریم ببینیم که پولس در مناطق شهری بزرگ در کشور ها چیکار کرده. یعنی جاهایی مثل جائیکه ما زندگی میکنیم. ماهم لازمه که بشارت مسیح رو به شهر ها ببریم. در دوره ای که کلیسا ها از شهر ها دوری میکنند، لازمه که ما شهر و نیاز های شهر به مسیح رو دریابیم. این آسون نیست. از پولس بپرسید میگه ، رفتن به مراکز شهری

دنیا آسون نیست. اما اون جائیه که ، ما باید بشارت انجیل رو به ساکنانش بدیم. خوب توی نقشه میتونید ببینید که تقریباً حدود 1400 مایل سفر کرده. کاری که او میکرد این بود که اساساً از یک الگو استفاده میکرد که این الگو بسته به جاهای مختلف تغییر میکرد. به هر حال او وقتی وارد شهر میشد یک کنیسه پیدا میکرد و می رفت در کنیسه ها موعظه میکرد. اکثر مواقع او رو از کنیسه ها بیرون میکردند و هر بار که او رو از کنیسه بیرون میکردند در بیرون کنیسه موعظه میکرد. یک بار مردم چنان دیوانه وار به خشم آمدند که چیزهایی به طرف او پرت میکردند. از او میخواستند که اونجا رو ترک کنه تا جایی که شب هنگام مخفیانه از شهر خارج شد. این کار همیشگی او بود و از شهری به شهری میرفت و موعظه میکرد، از کنیسه اخراج میشد و از شهر بیرونش میکردند. این زندگی پولس رسول در اولین سفر بشارتی اش بود. احتمالاً در طی این دوره از سفرش بود که او رسالهٔ غلاطیان رو نوشت. ونتیجه اش هم عالی بود بعد میبینید که او به انطاکیه برمیگرده و ما میبینیم که در طی این دوره بسیاری از غیر یهودیان به مسیح ایمان می آوردند و پولس رسول غیر یهودیان بود. خوب بعد از این هست که میبینیم انشعاب هایی در کلیسا، کلیساهای اصلی یهودیان پیش میاد حالا غیر یهودیان به مسیح ایمان میارند و یهودیان شروع میکنند به بحث سر این که چطور غیر یهودیان میتونند بخشی از قوم خدا بشند. اونها شروع به وضع قوانین شریعتی میکنند و میگند اگر میخواهید بخشی از قوم خدا بشید باید این کار رو و اون کار رو بکنید مثلاً ختنه بشوید. و این منجر به تشکیل گردهم آئی اورشلیم در حدود سال 49 بعد ازمیلاد میشه میتونید یک جا یادداشت کنید که اعمال رسولان 15 مقارن با برگزاری کنفرانس اورشلیم بوده. اونها در اعمال رسولان 13 به اولین سفر بشارتی اعزام شدند و بعد از پایان اعمال 14 باز گشتند و بعد در اعمال 15 شما نشست اورشلیم رو دارید که موضوع مذاکرات پیرامون اختلافات بین یهودیان و غیر یهودیان بود.

مجوز رسمی

شما مجاز هستید و ما تشویق میکنیم که این مطالب را تکثیر و توزیع نمائید. یادآوری میکنم که هیچ گونه تغییری در محتوی این مطالب مجاز نیست. لطفاً در پایان نسخه های تکثیر شده این عبارت را قید نمائید:

By David Platt. © David Platt & Radical.

Website: Radical.net © David Platt 2007 28